

این چاه معروفترین چاه نفت در دنیاست و امروزه هم در مسجد سلیمان می‌توان آن را از نزدیک دید و مشهور است که انگلیسی‌ها در موقع برخورد با آن، کلاه خود را به عنوان احترام برمی‌دارند. چاههای دیگری نیز وجود دارد که میزان محصول آنها از ۷۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ تن است، ولی تاکنون مجموع محصول مستخرجه هیچکدام به پایه محصول ۷۰۰۰ تن که قریب به بیست و سه میلیون خروار بود نرسیده است. چاه مذکور در آبانماه ۱۳۲۹ شمسی به نفت رسید و سر آن را در اشدت ماه ۱۳۰۳ ش. با وجودی که میزان محصولش کمافی‌السابق جریان داشت، هستند. دلیل این اقدام نیز این بود که لوازم سر چاه مزبور قدیمی و اگر بستن شیر چاه و جلوگیری از جریان نفت آن لازم می‌شد، قادر به مقاومت در مقابل فشار نفت نبوده لذا برای رفع حوادث و جلوگیری از خطر، تصمیم فوق‌الذکر اتخاذ و به مرحله اجرا گذاشته شد. موفقیت در انجام این امر صعب، بدون حدوث هیچگونه والله و اتفالی باعث غلبه علم و شعر بر مهارت مهندسين متخصص در این فن می‌باشد.

چاههای سرشار دیگری که در معدن مسجد سلیمان است و بعضی از آنها میزان محصولشان هم از چاه ۷۰۰۰ تنی بیشتر است عبارتند از چاه موسوم به ۱۱۸۸/B که محصول روزانه‌اش بالغ بر شش هزار خروار و چاههایی موسوم به ۱۱۷/ن، ۱۱۹/ن، ۱۱۸/ن، ۱۱۷/ب که محصول روزانه هر کدام بالغ بر پنج هزار و پانصد خروار است. بعلاوه هدهد دیگری هم هست که روزانه بین چهار هزار و پنج هزار خروار نفت می‌دهد. در حال حاضر ۱۰۰ حلقه چاه بوسیله مخازنی که حکم مجری را دارد به خطوط لوله اصلی اتصال داده شده و پنجاه و پنج چاه دیگر هم به نفت رسیده و در صورت ضرورت به سهولت می‌توان آنها را به لوله‌های مزبور وصل کرد. اضافه بر آنچه ذکر شد چاههای متعددی دیگر نیز حفر شده و به سنگی که روی قشر نفتی می‌باشد رسیده است؛ بطوریکه در موقع احتیاج حفر آنها را هم می‌توان به اتمام رسانید. حفاری در این معدن بیشتر بوسیله متدهای عظیم فولادی است که بالا و پایین رفته و زمین را بوسیله کوبش حفر می‌کنند. این طریق را حفاری کوبنده سیستم ضربه‌ای می‌گویند و قریب شصت دستگاه آن مشغول کار است. اگر چه حفاری دوار، یعنی طریقه حفری که مته یا اسکنه متصل دور می‌زند، در پاره‌ای از نقاط دنیا قابل استفاده گردیده، لکن در مسجد سلیمان بواسطه آنکه طبقات مختلفه زمین بطور خاصی قرار گرفته است چندان مفید واقع نشده و لهذا پنج دستگاه بکار انداخته شده است؛ ضمناً برای امتحان معرفت الارضی، چاهی نیز به عمق دو هزار ذرع بدین طریق حفر می‌شود که از نتایج حاصله آن استفاده نمایند. بهر حال امروزه روش جدید حفاری دورانی جایگزین سیستم قدیمی ضربه‌ای شده. این کشف به همان اندازه که استفاده از مته در دقتانهرشکنی تحول ایجاد کرده بود، در

صنعت حفاری نیز مؤثر بود.

این که حفاری را از کجا شروع کنیم، بطور اساسی یک مسئله علمی است، این مسئله باید بر اساس دانش و متدهای امروزی حل شود. فرض کنیم حالا یک نقطه‌ای برای شروع کار حفاری انتخاب شده است. مسئله حفاری عموماً یک مسئله مهندسی است و مهندسی خاص حفاری چاه نفت است و مدت مدیدی است که توسعه پیدا کرده و پیشرفتهای فراوانی کسب کرده است. عملیات حفاری که توسط شرکت نفت ایران و انگلیس صورت می‌گیرد طبعاً استاندارد است.

این مطلب روشن شده است که حفر چاههای کم عمق در مسجد سلیمان به روش ضربیه‌ای و حفر چاههای عمیقتر با متدهای جدیدتر است، که از دو روش حفاری استفاده می‌شود، یکی ضربیه‌ای و دیگری متدهای (چرخشی). در روش اول یک جسم لوله‌مانند که لبه‌های تیز دارد و از جنس فولاد است به سه کابل فلزی بسته شده است که بوسیله ماشین آلات به بالا کشیده می‌شود و سپس وها می‌شود و با ضربیه‌ای سنگین به لایه‌های زمین برخورد می‌کند. کم‌کم زمین را کسند و لایه‌های برگردانی دارد که مواد کسند شده را با خود به بالا می‌آورد. در روش حفاری بوسیله متدهای استیلی بوسیله دستگاه می‌چرخند و انتهای مخصوص، نوک آن وصل شده که زمین را متورخ می‌کند و برتری مهم این روش، به سرعت آن است. حفاری در این روش حدود ۴۵۰ پا در شرایط معمولی است. برتری دیگری که این روش دارد، این است که اگر گاز یا نفت با فشار زیادی به بیرون فوران کرد بر راحتی کنترل می‌شود. این روش در تمام دنیا قابلیت بکارگیری بیشتری را در شرایط مختلف دارد.

لبت نمونه‌های حفاری

گزارشات روزانه پیشرفت هر چاه، مقدار حفاری روزانه و عمق آن، لایه‌هایی که متدهای حفاری رسیده و موارد مهم دیگر که بوسیله حفار گزارش می‌شود. کپی‌هایی از این گزارشات بدست زمین‌شناسان می‌رسد تا مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این در هر پنج پا نمونه خاک که به قسمت زمین‌شناسی ارسال می‌شود تا مورد آزمایش قرار گیرد. گِل ارسالی به آزمایشگاه شسته، خشک، و بوسیله چشم و میکروسکوپ آزمایش می‌شود. گاهی هم تشخیص به کمک تجزیه شیمیایی انجام می‌شود.

در ضمن تمام نمونه‌های خاک که از حفاری بدست آمده بدقت نگهداری می‌شود و برای کمک به دانش زمین‌شناسی بکار گرفته می‌شود.

پیش از (۲۰۰) حلقه چاه در منطقه مسجد سلیمان حفر شده است و هرچ و مرج در زمین‌شناسی، که قبلاً بدان اشاره شده است، بطوری که زمین‌شناسان می‌گویند «حل شده است».

در مدیریت زمین‌شناسی در مسجد سلیمان و همچنین در دفاتر لندن، شرکت نفت ایران و انگلیس، نه فقط نقشه‌هایی با مقیاس وسیع، بلکه نمونه‌های جامدی ساخته است تا مقدار ضخامت لایه‌های آهکی نفت‌دار و موقعیت هر چاه را نشان بدهد.

باید بدانیم همچنان که چاه حفاری می‌شود، بدنه چاه بوسیله لوله‌ای فولادی پوشانده می‌شود. موقعی که متعاً به نزدیکی لایه سنگ آهک اصلی رسیده، جایی که انتظار می‌رود که نفت باشد، دقت کافی باید بعمل آید تا نفوذ به بالا فوران نکند و خطری برای حفاری و دکل حفاری نداشته باشد. جاهایی که به روش چکش (ضربه‌ای) حفر می‌شوند، شیری در قسمت بالای لوله‌ای در سر چاه نصب شده که از فاصله دور بوسیله دست باز و بسته می‌شود. در صورت فوران نفت یا گاز از چاه بوسیله این شیر جلوی خطرات آتش‌سوزی را می‌گیرند. در کنار جاهای نفت‌تابلوهای اهلان خطر در همه جا نصب شده است و بر روی آنها نوشته است «سیگار کشیدن ممنوع، حفاری در سنگ آهک اصلی». بوسیله همین اهلان خطرناک است که چاه با تولید روزانه ۱۶۰۰۰ تن نفت، بدون هیچ خطری کار می‌کند و بخوبی پیش می‌رود. برای کسی که اولین بار به تماشای مسجد سلیمان می‌آید بسیار جالب است که همه جا را تمیز می‌بیند. بجز بعضی از جاهایی که نفت خود بصورت چشمه جاری و از زمین به بیرون می‌آید. اگر جاهای نفت مسجد سلیمان را یا مناطق نفتخیز رومیه مقایسه کنیم، اینجا بسیار تمیزتر است و این نتیجه تلاش شرکت ایران و انگلیس است که توجه خاصی به این کار دارد.

حال فرض می‌کنیم که چاه نفت حفر شده و به نفت رسیده است و نفت تحت کنترل کامل در لوله جریان دارد، به طرف مخازن، جایی که نفت باید ذخیره شود هدایت می‌شود. اتصالات سرچاهی شامل شیرهای جهت تنظیم یا متوقف کردن جریان، و درجه فشارسنج جهت اندازه‌گیری دقیق فشار وجود دارد. وقتی که نفت به سطح زمین آورده می‌شود از طریق خط لوله به سوی پالایشگاه هدایت می‌شود. قبل از اینکه به مرحله تصفیه برسد چندین مرحله را باید بگذراند.

گاز

در نفت خام مقدار زیادی گاز وجود دارد و مشکل ما این است که با این گاز چه باید کرد. در اوایل کار شرکت بخوبی نیازهای اقتصادی را تشخیص می‌داد، لذا به محض اینکه نفت را استخراج و سپس تصفیه می‌کرد محصولاتش را برای فروش به بازارهای جهانی عرضه می‌نمود. در روزهای نخست می‌بایست هرچه سریعتر کارها به پیش رود زیرا وقت مناسب برای اندیشیدن به تولیدات باصرفه‌تر و یا بهتر نبود و همه انرژی بر روی تولید نفت متمرکز شده بود.

گاز به جاهای مناسبی بر روی تپه‌ها هدایت می‌شد و بطور ممتد سوزانده می‌شد و شعله‌های آن تا

ارتفاع ۱۰۰ پا می‌رسید. عکسهایی که در روزهای نخست از میدان نفتون گرفته شده، یکی از جالب‌ترین و عجیب‌ترین منظره‌هایی است که تاکنون بشریت صنعتی به آن دست یافته است. یکی از کارکنان انگلیسی صنعت نفت وقتی که شعله‌های آتش میدان نفتون را دید، گفت: شباهت بسیاری به «جهنم دافته» دارد و هنوز این شعله‌های تابناک آتش، در مسجد سلیمان روشن است. در ابتدا نیاز مبرم به محصولات پالایش شده بود و کار با موفقیت پیش می‌رفت و توجه مستقیماً بر روی توسعه مراحل مختلف عملیات معطوف بود و مشکل گاز یکی از پیچیده‌ترین کارها بود که با آن روبرو بودیم و شاید سالها همچنان باقی بماند. نفت خامی که در عمق زمین است، شامل مقدار زیادی گاز حل شده است که از سمت بالا تحت فشار فرار دارد.

وقتی شیر سر چاه نفت باز می‌شود و نفت درون لوله جریان پیدا می‌کند چون فشار کمتر می‌شود این گازها بصورت حباب درون لوله و همراه نفت به بیرون می‌آید.

کم کردن فشار قوی نفت تا به فشاری برابر و جزو دو مرحله راطی می‌نماید. نفت با فشار ۱۵۰ پوند بر اینچ مربع در سر چاه به «فشار شکن» که شامل لوله‌ای استیلی به قطر ۷/۵ پا است وارد می‌شود. در این لوله فشار به ۳۰/۴۰۱ پوند بر اینچ مربع می‌رسد. تحت این فشار قسمتی از گاز همراه نفت جدا می‌شود که احتیاج سوخت را در مسجد سلیمان برآورده می‌سازد. گازی که بدین طریق جدا شده است به نقاط مختلف لوله کشی شده و به مصارف خانگی و صنعتی می‌رسد. سوخت مصرفی دیگ بخارهای ایستگاه تولید برق، و ایستگاههای پمپاژ در تمبی و کارگاههای مختلف از این طریق تأمین می‌شود. نسبت مقدار گاز مصرفی در اینجا نسبت به ذخیره کل گازی نهایت کم است. وقتی فشار نفت پایین آمد به درون تانکرهایی بنام «تانک سرریز» هدایت می‌شود. در اینجا فشار به اندازه فشار جو است. گاز محلول در نفت در این تانکها در قسمت بالای تانک جمع می‌شود و این گاز بنام «کم فشار» نامگذاری شده است.

وقتی گاز کم فشار و پر فشار از نفت جدا شد، نفت به ایستگاههای پمپاژ می‌رسد. در اینجا سفر ۱۳۰۰ مایلی خود را آغاز می‌کند که از روی تپه‌ها و در میان صحراها عبور کرده تا به پالایشگاه آبادان برسد. در مسجد سلیمان تانکهای زیادی است که فقط برای ذخیره نفت در مواقع اضطراری بکار گرفته می‌شود. به این طریق در مواقع هادی، نفت به ایستگاه پمپاژ در تمبی فرستاده می‌شود و بدون اینکه در تانکرها مواد سبک آن گرفته و بخار شود به آبادان فرستاده می‌شود.

باز یافت بتزین:

گاز کم فشار درون تانکرها به منظور ارسال استحصال مواد با ارزش آن به واحد فشار و جذب گاز می‌رود. ظرفیت واحدهای جذب بتزین در حال حاضر در مسجد سلیمان ۳۵۰۰۰۰۰ فوت

مربع گاز در روز می باشد که مقدار ۱۳۰۰۰۰۰ گالن بترین از آن بدست می آید.
 در این نزدیکیها هیچ شهر بزرگ و صنعتی وجود ندارد که بالوله کشی گاز به آن، بتوان گاز تولیدی
 را در آنجا به مصرف رساند. نزدیکترین شهر به مسجد سلیمان، شوشتر است که ۳۵ میل با آن
 فاصله دارد. کسانی که از این شهر قدیمی و رمانتیک بازدید کرده اند، براین باورند که کشیدن گاز
 به آنجا هیچ کاربردی ندارد و شهر شوشتر را اینگونه توصیف کرده اند: خیابانهای تنگ و گلی و
 خانه ها و مغازه هایی که از خشت و گاهی دیده شده از آجر ساخته شده اند و هیچ کارگاه صنعتی
 بجز چند آسیاب آبی چیز دیگری ندارد.

جمع آوری گاز

در ضمن استخراج نفت خام، مقدار زیادی گاز از چاههای مسجد سلیمان خارج می شود که چون
 فوق العاده فرار است ذیقیمت بوده و بنابراین جزء مهم نفت محسوب می شود. برای آنکه گاز
 مزبور از میان نرته و قابل استفاده واقع گردد کارخانه مفصل مهمی در این معدن بنا شده است.
 طرز انجام این مقصود نیز اصولاً ساده و بدین طریق است که بدو پانزده مخزن، که به پنج دسته
 مختلف قسمت شده است، بنا گردیده که نفت خام پس از خروج از چاه در آنها جریان پیدا می کند.
 نظر به اینکه نفت سنگین و گاز سبک است، اولی در مخازن مزبور ته نشین شده و دومی از آن جدا
 گشته، متصاعد می شود. پس از آنکه این تفکیک صورت گرفت گاز مزبور بوسیله لوله وارد
 کارخانه می شود. در اینجا برجهای آهنی مخصوصی بنا شده است که هر یک دارای صفحات
 متعدد آهنی بوده و به فواصل معین از بالا به پایین برج رو به هم قرار گرفته است. برجهای مزبور
 دارای دو مدخل است، یکی در بالا و یکی در پایین، که از دومی گاز داخل آن گردیده و از اولی
 محصول دیگری موسوم به نفت گازی، وارد آن می شود.

توضیح آنکه نفت گازی، یکی از مستخرجات نفت است که قوه جاذبه خاصی برای جلب گاز
 دارد. نفت گازی از بالا بتدریج روی صفحات آهنی فوق الذکر که شبکه دار است، شروع به
 چکیدن نموده و پیوسته گاز را از پایین بطرف خود جلب کرده و در نتیجه این جفت شدن، قسمت
 مواد گازولینی با بترینی گاز مذکور در آن جذب می شود. سپس بوسیله عمل تقطیر بترین جذب
 شده از نفت گازی تجزیه گردیده و مجدداً بوسیله عمل دیگر آن را از صورت گازی خارج کرده
 و مبدل به بترین مایع می کنند. آن وقت این بترین را داخل لوله اصلی کرده و توأم با نفت خام به
 آبادان حمل می کنند. نفت گازی را هم باز برای انجام خدمت مذکور دوباره وارد برجها می کنند.
 در مواقعی که گاز و نفت گازی در برجها با هم تلاقی کرده و چنانکه ذکر شد مواد بترینی گاز جذب
 می شود، بگ جزء از گاز که باقی می ماند، دارای صفت حرارت بوده و چون برای سوزاندن

مناسب است بومیله لوله‌های مختلف به اطراف برده و برای گرم کردن دیگهای بخار عمل حفرو چرخاندن دستگاههای تلمبه، لوله و گرم کردن خانه‌ها و پختن غذا مصرف می‌شود. همان‌گازی که سابقاً خطرناک محسوب می‌شد و بواسطه آنکه سریع الاحتراق و منفن بود و آمایش عمومی را سلب می‌کرده، اینک از پرتو تشکیلات علمی این صنعت از یک طرف مبدل به یزین ذهیمت گردیده و از طرف دیگر برای گرم کردن و سایر خدمات نوعی بکار می‌رود. در این صورت صنعت نفت مسجد سلیمان می‌تواند ادعا کند که از کلیه محصولات خود به نحو اکمل استفاده کرده و هیچگونه ضایعاتی نمی‌دهد.

کلیه محصولات نفت خام به وسیله فشار گاز طبیعی خود، که عبارت از تقریباً چهل و شش تن تبریز در هر شش سانبترولیم مربع می‌باشد، از چاه خارج می‌گردد. معیناً بسیاری از عملیاتی که در معادن صورت می‌گیرد مستلزم استعمال دستگاههای متعدد تلمبه می‌باشد. بنابراین در مسجد سلیمان پانزده ایستگاه تلمبه‌زنی بنا شده که جمعاً دارای ۲۳۲۵۱ دستگاه تلمبه و هالپ دستگاههای مزبور به سیستم خارج از مرکز و ساتری لوله ساخته شده‌اند.

«خط لوله» :

در پنج میلی مسجد سلیمان ایستگاه پمپاژ قرار دارد که نفت را بسوی آبادان پمپ می‌کند. قابل ذکر است که یکی از کارهای پردردسر در ابتدای کار نصب خط لوله مسجد سلیمان - آبادان بود. فاصله تقریبی ایستگاه پمپ تمبی تا پالایشگاه آبادان ۱۳۰۰ میل است. خط لوله از دو ارتفاع، یکی دامام رضا به ارتفاع ۱۳۶۶۱ پا و دیگری وقل خباطه به ارتفاع ۱۳۰۸۱ پا از سطح دریا می‌گذرد و سپس به دامنه تپه‌ها می‌رسد و بعد وارد دشت صاف می‌شود. تا گفته نمایند که تمبی حدود ۶۶۸۱ پا از سطح دریا ارتفاع دارد. همانطور که انتظار می‌رود مشکلات خط لوله بی‌شمار هستند و همواً این مشکلات مربوط به کارهای مهندسی است. مشکل عمده، شکستن لوله‌ها بود. و بدین جهت که تغییر دما بسیار شدید است. در نتیجه انقباض و انبساط باعث شکستن لوله‌ها می‌شود. خط لوله در جاهای مناسب تم شده است تا بتواند در مقابل تغییر دما که باعث شکستن آنها می‌شود تحمل نماید.

فرستادن نفت به بالای تپه‌ها به آسانی آب نیست و حتی در سطح شیبدار ملایم هم روان‌گرایی و اصطکاک طوری است که سرعت حرکت نفت را خیلی پایین می‌آورد. بنابراین به فشار بیشتری احتیاج دارد تا در لوله بچریان یفتد.

ایستگاه پمپ تمبی مجهز به دستگاهها و ماشین آلات مدرنی است که بدون اشراق هم پای ایستگاههای پمپاژ قوی موجود در دنیا است. سوخت مصرفی این کارخانجات برای تولید بخار گاز

طبیعی است که از مسجد سلیمان بدست می آید. پمپ‌های بسیار قوی، بوسیله توربین بخار بحرکت درمی آیند. نفت را با فشار ۶۰۰۰ پوند در هر اینچ مربع به درون لوله بست ملاثانی که ایستگاه بعدی است می فرستند. با توجه به اصطکاک و عوامل دیگر نفتی که به ملاثانی می رسد فشار آن به ۳۰ تا ۳۰ پوند در اینچ مربع می رسد. از آنجا به ایستگاه پمپ کوت عبدالله که در ۳۲ میلی است فرستاده می شود. در کوت عبدالله ایستگاه تقویتی دیگری است که فشار نفت را در اینجا هم تقویت می کند و ۳۵ میل دورتر، آخرین ایستگاه تقویت است بنام دارخوین. وقتی نفت به آبادان رسید در نزدیکی پالایشگاه ذخیره می شود. به منظور اطمینان از تداوم کار ایستگاههای پمپاژ در هر ایستگاه تقویت فشار، انبار ذخیره سازی وجود دارد که در موقع خرابی پمپهای ایستگاه قبلی، ایستگاه بعدی بتواند کار خود را با ذخیره های لیل ادامه بدهد. موقعی که تعمیرات انجام گرفت دوباره شیر مخزن ذخیره بسته می شود و جریان عادی پمپاژ ادامه پیدا می کند. خط لوله ای که نفت از آن جریان پیدا می کند حیات شرکت است. در اهواز در کنار کارون جایگاهی است که تمام مشکلات خط لوله در آن بررسی و تصمیم گیری می شود و مسائل تعمیر و نگهداری و توسعه این خط حیاتی صورت می گیرد.

آب، نیروی برق و روشنایی :

برای تأسیسات با اینهمه وسعت چهار نیاز اولیه وجود دارد آب، سوخت، روشنایی و برق. تأمین سوخت در بخش گاز توضیح داده شد، و حالا وقت آن است که در مورد آب، روشنایی و برق صحبت کنیم. یکی از ضروریات عملیات معدن نفت، وجود مقدار زیادی آب تازه است که برای حفر چاهها و دستگاههای بخار کارخانه برق و حواتج اهالی به مصرف می رسد. تا سال ۱۹۲۹ م. آب مصرفی بطور عمده از رودخانه کارون و از طریق درخزیه تأمین می شد. آب بوسیله پمپی به مسجد سلیمان پمپاژ می شد که خط لوله آن در کنار راه آهن بود. فاصله درخزیه تا مسجد سلیمان حدود ۲۳۸ میل است. ولی اکنون آب اینجا بوسیله سه دستگاه تخلیه ساخت سولزر (خارج از مرکز) از گدارلندر تأمین می شود و فاصله آن تا میدان نفتون حدود ۱۲ میل است، حدس زده می شود که هزینه آب گدارلندر نسبت به آب درخزیه یک چهارم است.

از میدان نفتون (مرکز مناطق) جاده ای در میان تپه های بیشمار عبور می کند و تدریجاً به ارتفاعات «تل بزاق» می رسد و جاده تالیه یک بلندی کشیده شده است. این بلندی در حدود ۲۲۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد و دامنه آن شیب دار و سنگلاخ است. ۱۰۰۰۰ فوت پایین تر از آن دره تنگی است که تپه های بدون درخت، آن را در میان گرفته اند.

ایستگاه پمپ آب ۵ میل پایین تر از این دره که در سمت چپ ساحل کارون، در محلی بنام

گذارلندر واقع است. پایین این بلندی جاده وجود ندارد. ساختن جاده در اینجا از توان ما خارج است بنابراین ماشین خود را در بالا، رها کردیم و با کسکه و سایر مکانیکی که روی ریل سُر می خورد و به آن «سِلینج» می گفتند به پایین رفتیم و به محلی بنام پاگج رسیدیم. ارتفاعی که سُر سُر «سِلینج»^۱ بالا و پایین می رود حدود ۹۵۰ فوت و طول ریل آن ۲۱۵۸۰ فوت است. وسیله ای که روی ریل بود و ما را پایین آورد به سیمی متصل بود که این سیم بوسیله دستگاه برقی که بالای آن بلندی نصب شده بود جمع می شد. در صورت لزوم با دمی باز می شد تا سُر سُر به پایین بلندی برود و در پایین^۲ ماشینی برای حمل ما آماده بود. برقی که در دستگاهها و پمپهای گذار مضرر می شود از کارخانه برق تمبی تأمین می گردد. برق آن ۱۱۶/۳۰۰۰ ولت است و به برق ۴۴۰ ولت تبدیل شده است. موتورهای نصب شده ۳۵۰ اسب بخار و دورانی هستند. آب را با فشار ۸۰۰ پوند در هر سانتی متر مربع به بالای کوه پمپاژ می کنند. این پمپها از مدرنترین پمپهای دنیا هستند و هزاران گالن آب را با سرعت کافی در روز پمپ می کنند. شاید جالبترین چیزی که در طی دیدار نویسنده از گذارلندر با آن روبرو شد و توجهش را جلب کرد، دستگاهی بود که بطرز ابتکاری ساخته بودند. در گذارلندر مسیر رودخانه، سنگلاخ است و طغیان رودخانه در فصل بارندگی خیلی زیاد است، بطوریکه گاهی تا ۴۵ پا بالا می آید. برای مقابله با طغیان رودخانه راه حل زیرکانه ای ابداع شده است که تا ۷۰ فوت ارتفاع در مواقع طغیان پیش بینی شده است، سطحی سیمانی و شیدار که از بالا تا لب رود کشیده شده است. اطاقک پمپ بر روی چرخ و چرخها، درون ریل آهنی که روی سیمان است بالا و پایین می رود. از اطاقک کوچکی که دورتر از ساحل قرار دارد اطاقک پمپ را برای رفتن به پایین یا بالا هدایت می کنند و این بستگی به وضعیت طغیان رودخانه دارد. آب به دو مخزن در گذارلندر پمپاژ و سپس بوسیله دو پمپ قوی که هر یک ۸ اینچ هستند به «سرگج» و «تل بزانه» فرستاده می شود و در آنجا انبارهای ذخیره آب به ظرفیت ۶۴ میلیون گالن وجود دارد. آب ذخیره شده در انبارها به سمت مسجد سلیمان فرستاده و برای مصرف خانگی و صنعتی انشعاب پیدا می کنند. تمام وسایل و ماشین آلات موجود در گذارلندر و پمپهای آب و خلاصه تمام تأسیسات بوسیله سُر سُرهای که قبلاً بدان اشاره شد به پاگج برده شده است و سپس با ماشین به گذارلندر حمل شده اند. بازدیدکنندگان و خوانندگان این کتاب به کارکنان

۱- در زمان قدیم آقایان «کریلایی» «عبدالرضا بهادری شهنی» و «علی خان بالمش زره» از طایفه نصیر، مسئول

دستگاه «سِلینج» بودند.

۲- منظور «پاگج» می باشد.

این شرکت بخاطر زحمات و اهداات کم نظیرشان، احسن می گویند.

استعداد ایستگاه تلمبه آب درخزیه، روزی موازی ۲۵۰۰ خروار می باشد، لکن عجلتاً مشغول کار نبوده و فقط در مواقع ضروری از آن استفاده می شود. بعلاوه در تل خیاط واقع بین مسجد سلیمان و درخزیه هم ایستگاه تلمبه دیگری است که بردن آب را از نقطه اخیرالذکر به محل تسهیل و تسریع می نمایند. صنعت نفت مسجد سلیمان خود را از حیث ولور آب، بسی معادنند می نگرد، زیرا تحصیل هر مقدار آبی که برای رفع حوائج خود لازم دارد، برایش میسر و موجود است.

ایستگاه برق،

در کنار رود تمبی و در نزدیکی ایستگاه پهاژ که شرح آن گذشت یکه نیروگاه عظیم برق برای مصارف مختلف میدان مسجد سلیمان وجود دارد. در ابتدا تولید آن ۳۵۰ کیلووات بود ولی نیاز روز افزون به برق باعث شد که دو مولد بخار نیز بکار اندازند و تولید برق را به ۱۵۰۰ کیلووات برسانند.

در دسامبر ۱۹۲۶ م دو توربین بخار دیگر نصب شد و تولید برق آن به ۶۷۰۰ کیلووات رسید سوخت آن از گازهای طبیعی منقله مسجد سلیمان بود. این برق بوسیله کابلهای ۱۱۰۰۰ ولت به همه مناطق نفتخیز کشیده شده است و شاخه های نیز به گل خیاط و گدارلندر برده شده و ایستگاههایی برای تبدیل فشار قوی به ضعیف در جاهای مناسب ساخته شده. گاهی از این جریان برق برای حفاری استفاده می شود. قریب چهل فرسخ سیم برق پرفره که معادل یازده هزار وات نیروی برق دارد و سیزده فرسخ سیم چراغ برق و سیزده فرسخ هم سیم دیگری که دارای قوه ۴۴۰ ولت می باشد در این میدان نفتی بزرگ کشیده شده است. تمام این پیشرفتهای مهندسی مدیون تلاشهای منظم و توجهات دائمی آقای ج. جیمسون رئیس و نماینده شرکت در مسجد سلیمان به تمام قسمتهاست.

واضح است برای عملیاتی که توضیح داده شد، جلب همکاری ایرانیان از ضروری ترین چیزهاست. بخصوص جلب رعایت نیروی کارگر محلی برای پیشبرد کارها بسیار مهم است. فعالیت کارگران در حمل و نقل و سائل سنگین، ساختن پل، لوله کشی، راه آهن و مشکلات عدیده دیگری دیگر که شرکت در ابتدای کار با آن روبرو است کمکف مؤثری محسوب می شود. شکل بفرنجی که این شرکت در ابتدای کار با آن مواجه بود خصوصیات اجتماعی این کارگران محلی بود. مردم ساکن در این خطه تماماً بختیاری هستند و بخاطر دامهایشان در فصل بهار مجبورند به بیلاق و دامنه رشته کوههای پوشیده از برف کوچ کنند. راه از رودخانه های بدون پل عبور می کند. آنها در اوایل پاییز به ناحیه گرم خوزستان بر می گردند. بختیارها عموماً چادر نشین هستند یا در

خانه‌هایی که از تخته سنگ درست کرده‌اند زندگی می‌کنند. خواسته‌هایشان محدود است و تحمل مشکلات این نوع زندگی را بر خود هموار می‌کنند. به پول کمی احتیاج دارند و در دامن طبیعت زندگی ساده‌ای دارند و معاملات پایاپای انجام می‌دهند.

این قسمت ایران، تشابه زیادی به پادشاهی کهن ایلامیها دارد. زمانی مردم اینجا هم مثل سایر قسمت‌های ایران کوچ نمی‌کردند و به کار کشاورزی مشغول بودند. باقیمانده تأسیسات آبیاری آنها هم اکنون در اطراف رود کارون برجای مانده است. زندگی قبیله‌ای کوچ‌نشین بختیارها در نتیجه حملات یونانیان، رومیان، عربها و ترکها است که از شمال و غرب بابل صورت گرفت و کشاورزی و تأسیسات آنها را نابود کردند. اینجا یکی از سرزمینهای پر بار محصولات کشاورزی محسوب می‌شود.

شرکت مجبور بود که برای نیروی کارگر خود، از همین مردم استفاده کند. عادات و خصوصیات قومی این مردم، مسائل اجتماعی و انسانی پیچیده‌ای بیار می‌آورد. این کافی نیست که مردم این خطه را جذب شرکت کنیم یا حقوق و وسایل رفاهی به آنها بدهیم بلکه چاره‌ای باید اندیشید تا از کوچ آنان جلوگیری بعمل آید. شوق و حال و هوای کوچ، آنان را به جنب و جوش می‌آورد و در آنان این احساس بسیار قوی است. بتدریج تعداد زیادی استخدام می‌شوند و مشکلاتی از قبیل بهداشت، خدمات درمانی و آموزشی بروز می‌گردد.

خدمات پزشکی

از ابتدای کار مشخص بود که پیشگیری از بیماریها و دادن خدمات بهداشتی و پزشکی پیش از دادن حقوق برای جذب کارگران مؤثر بود. یکی از اشخاصی که در ابتدای امر توسط شرکت به اینجا آورده شد و کار را شروع کرد، ام. وای. یانگه بود. او نه تنها کارهای پزشکی را انجام می‌داد بلکه نسبت به مسائل اجتماعی، تاریخ، رسوم و طرز تفکر مردم اینجا توجه خاصی می‌کرد. هم‌اکنون یک واحد منظم پزشکی از شرکت نفت همه استان را تحت پوشش قرار داده است.

در مناطق نفتخیز، اهواز، آبادان، بیمارستانهای مجهزی ساخته شده که خدمات آن نه فقط برای کارکنان شرکت است بلکه برای عموم از هر نژادی که باشند آزاد است.

در مسجد سلیمان بیمارستانی که در آن بیماران را بستری می‌کنند در دو میلی میدان نفتون قرار دارد. اضافه بر خدمات پزشکی و جراحیهای سرپایی در کلینیکهای بیرون از بیمارستان، وسایل لازم برای صد نفر در مواقع اورژانس وجود دارد. همچنین یک بیمارستان مجزا برای امراض مسری و یک کمپ برای قرنطینه کردن آنها برپا شده است. بخش گرم‌زدگی بمنظور مطالعه و مداوای موارد گرم‌زده و برای بیمارانی که بعد از عمل تب شدید دارند و یا شکک به آنها دست می‌دهد

ساخته شده است. هوای این بخش خنک و حدود 65 فارنهایت است که تصفیه هم شده است. بیمارستان دور از جاده و یک طبقه است که از گچ و سنگ همین محل ساخته شده است. پیش ایوانهای بزرگ، سایه جلو بخشها را تأمین می کند. علاوه بر دو اطاق عمل، یک اطاق حکبرداری و آزمایشگاه باکتری شناسی نیز وجود دارد. ضد عفونی و تهویه در بخشهای بیمارستان طبق استانداردهای علمی است. با جرئت می توان گفت که بیمارستان مسجد سلیمان نه فقط بهترین بیمارستان در خاورمیانه است، بلکه مجهزتر از بهترین بیمارستانهای روسیه، هند، و سایر کشورهای قاره آسیا است. امکانات مدارا در مناطق منتخب بوسیله چند درمانگاه در مناطق برآورده می شود. تعداد بی شماری از بیماران سرپایی مدوا می شوند و موارد جدی به بیمارستان پذیرش داده می شود. ۹۱ داروخانه وجود دارد که هر یک ۲ میل از همدیگر فاصله دارند. باید گفته شود که خدمات پزشکی و جراحی در بیمارستان و خارج از بیمارستان برای کارکنان و سایر ساکنان محلی و کوچ نشینان است که از فاصله دور به اینجا می آیند. برای جلب اعتماد مردم کوچ نشین، دلسوزی، صبر و مهارت زیاد لازم است.

کارکنان پزشکی شامل یک «سینر» و دو پزشک رزیدنت و پزشک بازرس و متخصصانی که مشغول خدمت در مسجد سلیمان هستند، شامل یک پاتولوژیست و یک اپتال مالوجیست می باشند. کارکنان پرستاری ۲۶ نفر می باشند و زیر نظر عاترون اروپایی هستند که به کمک هشت سبتر اروپایی سرپرستی می شوند.

ارقام زیر نشاندهنده بیمارانی است که در طی ۹ ماه مداوا شده اند (آوریل - دسامبر ۱۹۴۸).

وسعت و تنوع کارهای پزشکی، جراحی و فعالیتهای بهداشتی بشرح زیر است:

بیماران در بیمارستان	۱/۳۸۶
موارد تازه	۳۳۲۱۲ - الف
بیماران بخش خارجی	
	بیمارستان
موارد دیگر	۶۴۹۱۶ - ب
جراحی همراه با بیهوشی کامل	۲۴۵
تنهای پاتولوژی	۷۴۵۱
موارد دندانپزشکی	۳۵۲
رادیوگرام	۴۲۳
جراحی بایستی حسی یا بدون بی حسی موضعی	۱۹۰۳

بهداشت عمومی :

عملیات برای جلوگیری و کنترل حشرات ناقل بیماریها بطور سیستماتیک انجام گرفته است. عملیات ضد مالاریا بطور علمی پیش می‌رود و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که کم کردن پشه‌ها تأثیر فراوانی در پایین آمدن افراد مبتلا به مالاریا دارد. گزارشات پزشکی در سال ۱۹۲۸ م. نشان می‌دهد که نه فقط مالاریا کمتر شده است بلکه نوع مالاریا هم ضعیف شده است. مقایسه اعداد سالهای ۱۹۲۷ - ۱۹۲۸ (بر اساس ۱۲ ماه) نشان می‌دهد که ۴۳۸۵ نفر از مبتلایان به مالاریا کمتر شده است و ۲۱۷۷ مورد بیمار مداوا شده‌اند.

عملیات بهداشتی مثل، ضد عفونی خانه‌ها، گرفتن موشها با تله و سمپاشی، بعمل می‌آید و در کمتر از نه ماه در حدود ۳۳/۵۷۳ موش و گزیزه^۱ را از بین بردند. ناگفته نماند که این شرکت مقام مسئولی برای گرفتن موش دارد. اگر بیماری سری مثل سرخک یا آبله شایع می‌شود، شدیداً کنترل می‌گردید تا افراد مبتلا با سایر کارکنان تماس برقرار نکنند. لباس بیماران سوزانده می‌شد و خانه‌های آنها با بخار دی اکسید سولفور ضد عفونی می‌شد. همه انگلیسی‌هایی که وارد ایران می‌شدند، بر علیه خیلی از بیماریها واکسینه بودند و حتی کسانی که از هند وارد نجرمشهر می‌شدند واکسینه می‌شدند. وقتی که در مناطق نفتخیز مشغول کار می‌شدند برای بار دوم واکسینه می‌شدند. در سال ۱۹۲۸ م. در طی نه ماه تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر واکسیناسیون شدند.

بازرسی مداوم غذاء، آب و شیر، با جمع آوری نمونه‌ها انجام می‌شد و مورد آزمایش قرار گرفته و در کارخانه سوداسازی تحت کنترل شدید قرار می‌گرفت. برای مثال بازار سبزی در مناطق مسجد سلیمان روزانه بازرسی می‌شد. یکی از مسئولین شرکت می‌گفت که بازار سبزی این منطقه تمیزترین بازار در قاره آسیا است و روزی دو مرتبه نظافت می‌شد.

نویسنده گزارش^۲ که از بازارهای دمشق، بغداد، و هندوستان دیدن کرده است این گفته را بخوبی قبول دارد.

در لیست زیر خدمات بعمل آمده در طول یک سال بوسیله واحد بهداشت عمومی مشخص گردیده است:

ساختمان بدون مجوز خراب شد.	۳۰۷
اطاق، ساختمان و غیره ضد عفونی شد.	۷۰۰

۱- موش بزرگ را در زبان محلی «گزیزه» گویند.

۲- نویسنده گزارش آقای ویلیامسون می‌باشد.

۴۴۳	حیوان مرده سوزانده شد.
۲۱۹۲۹	لاشه حیوان کشته شده برای خوراکی بازرسی شد و ۳۰۸۳ قسمت آنها غیر قابل خوراکی تشخیص داده شد و نابود گردید.
۲۳۸۱	پوند میوه و سبزی لاسد تشخیص داده و نابود شد.
۱۵۱	تن مواد غذایی فاسد تشخیص داده و سوزانده شد.
۱۷۳۸	مورد واکناسیون انجام گرفت.
	مسکن :

مستخدمین معدود شرکت نفت مسجد سلیمان که در ابتدای استخراج این معدن پیش از بیست نفر هم نمی شدند، اکنون بالغ بر ده هزار نفر ایرانی و سیصد و پنجاه نفر اروپایی می باشند و عده شان هم رو به افزایش است. برای سکونت آنها ۵۵۰ باب عمارت بنا گشته و همه گونه وسایل آسایش و تفریح آنها فراهم شده است. در ابتدای کار هیچ مسکن مناسبی که قابل ذکر باشد وجود نداشت. ساختمانهای بی شماری، اکنون ساخته شده است. بخصوص در آبادان و مسجد سلیمان همه ساختمانها بر سبیل شرکت ساخته شده است. برای کارکنان سه نوع ساختمان ساخته شده، بنگله های بزرگ و جادار (که اغلب یک طبقه هستند) مخصوص کارکنان سطح بالا، بنگله های کوچکتری برای کارمندان، خانه های ردیفی که از سنگ، گچ و آجر ساخته شده برای کارگران ماهر و ساده که آنها را ده فوتی و بیست فوتی گویند.

در انگلیس سعی بر این است که خانه آلتا بگیر باشد ولی در اینجا برعکس بخاطر گرمای هوا، طراحی خانه باید طوری باشد که نور کمتری به درون پنجره های اطلاق بشاید. کلمه بنگله در نظر اروپاییان ساختمانی است که از خانه معمولی کوچکتر و از کلبه بزرگتر باشد اما بنگله های مورد نظر ما بسیار جادار و مجلل هستند. امکاناتی از قبیل برق، لوله کشی گاز، هیتز برقی و پنکه نیز دارند و دیوارهای آنها از سنگ، آجر و خشت ساخته شده است. هیچ کتوری که مقدار مصرف را نشان دهد ندارد. خیلی از بنگله ها باغدار هستند، اما نه مثل باغهایی که ما در اشعار خیام خوانده ایم. اینجا نیمی از سال همه جا خشک است. بوته و درختان فراوانی از سیلان و هندوستان به اینجا آورده ایم، علاوه بر این اداره باغبانی نیز تشکیل شده است.

غیر از مسکن، ساختن بازار هم بسیار ضروری بود. با پرداخت منظم حقوق به کارگرانی که از کوچ نشینان بودند آنها را بسوی شرکت می کشاندیم و حقوق دادن خیلی مؤثر نیست بلکه لازم

است تا بازاری برای مصرف پول آنها وجود داشته باشد. با پولی که در دست دارند و با خریدهایی که می‌کنند، آسایش بیشتری نسبت به زندگی کوچ‌نشینی بدست می‌آورند. بازار مسجد سلیمان نخستین بازار مدرن و نمونه ساخته شده در قاره آسیا می‌باشد که وسایل خانه، مواد غذایی، پوشاک، تنباکو، زیت، آلات و کالاهای مختلف دیگری در آن موجود است. مغازه‌ها بصورت ردیفی و جلو باز هستند.

آموزش

۱- آموزش کارگاهی:

ما متوجه بودیم که کارگران ساده برای عملیات جاده‌سازی، حمل و نقل بوسیله قاطر و الاغ، حمل ماشین آلات و مواد گوناگون، نصب وسایل حفاری، و غیره بسیار ضروری بودند. گذشته از این برای کمک به مهندسین خارجی، احتیاجات روزافزونی به اشخاصی که مهارت فنی داشتند پیدا می‌شد. افرادی مثل مکانیک، لوله‌پیچ، جوشکار و ریخته‌گر، بیشتر اهل اصفهان بودند. بعضی‌ها که از اطراف و اکناف ایران دانش مهندسی کمی کسب کرده بودند، بوسیله مهندسین اروپایی آموزش تخصصی بیشتری کسب می‌کردند. شرکت در مسجد سلیمان، اهراز و آبادان کارگاههای مهندسی زیادی دارد که از نظر وسعت، تنوع، حجم کار، برابری دارد. با کارگاههای نسبتاً وسیع در انگلیس. در هر یک از این کارگاهها، نوجوانان ایرانی در حال آموزش هستند که اغلب از کوچ‌نشینان می‌باشند. به هر صورت شرکت سعی بر آن دارد که این جوانان را بطور سیستماتیک آموزش دهد.

در مسجد سلیمان و آبادان، هر یک ۵۰ کارآموز پسر در حال آموزش هستند. شرکت سعی دارد که این نوجوانان را بطور سیستماتیک آموزش دهد و بطور انفرادی تحت نظر افراد برای آموزش قرار گیرند. بعد از آموزش کارگاهها، بعنوان تعمیرکار و Tapping - Turning و کارهای فنی دیگر مثل تراشکاری، سوهان‌کاری، در شرکت مشغول بکار می‌شوند.

علاقه این جوانان ایرانی به کارشان بیش از آن است که انتظار می‌رفت. گزارشگر ما گفته است در میان چیزهایی که جلب توجه می‌کرد هیچ چیز به اندازه آموزش در کارگاههای مسجد سلیمان توجهش را جلب نمی‌کرد. بعد از مدتی کوتاه این شرکت تصمیم گرفت که به این نوع جوانان که کاملاً بیسواد بودند، خواندن و نوشتن یاد بدهد. کار آموزش شروع شد و تاکنون بطور نسبی موفقیت آمیز بوده است. همه آنها می‌توانند دستورالعملهای روی دستگاهها، اعداد، و شماره‌های انگلیسی را بخوانند. بعضی‌ها یاد گرفته‌اند که فارسی را بطور کامل بخوانند و بنویسند.

برای استخدام این نوجوانان، مشکلات فراوانی داریم زیرا در موقع کوچ کار را رها کرده و ۴ تا ۵

ماه بعد مراجعه می‌کنند. استخدام فصلی است. بهترین موقع استخدام بین اولین باران در ماه دسامبر یا ژانویه و یا مارس است.

حدود ۳۹۰ نفر از این دانش آموزان در طی سه سال در مدرسه فنی و حرفه‌ای مسجد سلیمان دوره دیدند و در فصل کوچ کار خود را رها کرده و به بیلاق رفتند. تلاش شرکت بر این است که امکانات بهتر، حقوق بیشتر، و آسایش بیشتر برای آنها فراهم نماید و شوق کوچ را در آنها کم کند.

۲ - خدمات معارفی شرکت:

چند سال است که شرکت نفت انگلیس و ایران برای توسعه و پیشرفت معارف ناحیه‌ای که عملیاتش در آن واقع است جهد بسیار کرده و مبالغ زیادی صرف نموده است. اخیراً دو باب مدرسه ابتدایی هم در مسجد سلیمان بنا و به خرج شرکت اداره می‌شود، که یکی در ناحیه میدان نفتون و دیگری در چشمه حلی واقع است. عده شاگردان این مدارس بین دویست الی سیصد نفر است و پس از آنکه پیشرفت لازم در تحصیلات ابتدایی آنها دیده شد، در نظر است که وسایل تحصیلاتشان را بوسیله ایجاد یک باب مدرسه متوسطه تکمیل نمود.

عملیات و اقدامات معارفی شرکت، اکنون توسعه یافته و تحت نظر مدیر معارف شرکت اداره می‌شود و مشارالیه هم با مساعدت و همراهی اولیای دولت ایران به خدمات خود می‌پردازد. دستور دروس این مدارس، همان پروگرام رسمی وزارت معارف ایران و معلمین هم از طرف وزارت مزبور انتخاب می‌شوند. اهالی این منطقه نسبت به مؤسسات معارفی که برای تربیت اولاد آنها ایجاد شده متهای قدردانی را ابراز داشته و غالب درخواستهای دخول، بیش از گنجایش مدارس مزبور است. در مسجد سلیمان ورود به مدارس برای کلیه داوطلبین که والدینشان در شرکت نفت کار می‌کنند آزاد است. در این مدارس انگلیسی و فارسی تدریس می‌شود و بچه‌ها با یونیفرم می‌آیند.

مدرسه تحت نظر اولیاء ایرانی است. اخیراً مدرسه یک مربی ورزش هم استخدام کرده است. گزارشگر ما خود شاهد بود که تمام کارکنان مدرسه تحت نظر مربی، ورزش می‌کردند. نظم و ترتیب همانند مدارس انگلیسی است. روشهای ورزشی با پیروی از مدلهای ورزشی روس و آلمان است. درسهایی که تدریس می‌شود همان درسهای معمولی دبستانی است. خیلی از این پسرها پیشرفت قابل توجهی در خواندن انگلیسی پیدا کرده‌اند و مشکلات آنها در ارتباط با تلفظ، خیلی کمتر از بچه‌های لندن است. علاوه بر این، کلاسهای عصر در مسجد سلیمان، اهواز، آبادان به آموزش انگلیسی، حسابداری، ماشین‌نویسی و غیره مشغول است.

کارگاهها و کارگران :

کارگاههای مسجد سلیمان در مکانی بنام چشمه علی واقع است که تقریباً در وسط مرکز جغرافیایی مسجد سلیمان قرار دارد. در ابتدای کار شرکت، هیچ تأسیساتی در اینجا نبود، بجز همین چشمه. کارگاههای اینجا شامل کارگاههای تعمیرات عمومی و زیر نظر مهندسين اروپایی اداره می‌شوند. کارکنان اروپایی حدود ۳۰ نفر هستند که ۴۲۰ کارگر ماهر را رهبری می‌کنند و ۳۰۰ تن از آنها ایرانی هستند. این کارگران شامل لوله‌پیچ، تراشکار، ریخته‌گر، آهنگر، مکانیک، نجار، اتومبیل‌ران، آل مو توریند، تعمیر کار وسائل برقی، دیگ بخار ساز، ابزار ساز، جوشکار (هم جوشکار برقی، هم استیل) هستند. در بین اینها ۷۹ نفر هندی وجود دارد.

نصب کامل ماشین آلات امروزی و مدرن از کوچکترین ابزار تا بزرگترین ابزار توسط ایرانیانی که در همین جا آموزش دیده‌اند صورت می‌گیرد. تعمیرات در تعمیرگاهها از ظریف‌ترین چیزهای علمی گرفت تا ماشینهای بخار توسط همین کارکنان انجام می‌شود.

جدول زیر نشان‌دهنده عمق علاقه ایرانیان به کارهای فنی مهندسی است و این آمار در دسامبر ۱۹۲۶ م در چندین کارگاه در مسجد سلیمان گرفته شده است:

ایرانی‌ها	مجموعاً	
۹ نفر	۱۲ نفر	۱ - متصدی نصب و ساخت ماشین آلات
۳۹	۵۷	۲ - کارگاه دیگ بخار
۲۶	۲۹	۳ - کارگاه نجاری
۳۱	۵۰	۴ - کارگاه نصب و تعمیر
۲۴	۲۴	۵ - کارگاه تعمیر وسائل الکتریکی
۳۷	۳۷	۶ - کارگاه عمومی
۳۱	۵۷	۷ - ماشین آلات
۱۶	۲۴	۸ - ریخته‌گری
۱۰۰	۱۰۰	۹ - آهنگری

در کنار کارگاهها، انبارهای بزرگی وجود دارد که به قسمت‌های مختلف تقسیم می‌شوند. نه تنها هزاران وسیله برای حفاری، راه آهن، لوله کشی، جاده سازی و تأسیسات وجود دارد، بلکه نیازهای فراوان کارکنان که شامل مواد غذایی، مبلان، وسایل استراحت آنان است، در اینجا به وفور یافت می‌شود و انبارها منلو از کالاهای لوکس و مختلف است.

انبارهای عظیم در اهواز، آبادان و مسجد سلیمان بنا شده و براساس اصول علمی طرح ریزی شده

است. فروشگاه مسجد سلیمان مجهز به نجران قیل ده تن برقی است و راه آهن در خزینه به مناطق تا محفوظه انبارها کشیده شده است که تقریباً ماهانه ۳۰۰ تن مواد مختلف را حمل می کنند. واحد توزیع در مسجد سلیمان کالاهایی به ارزش ۶۰۰۰۰ پوند در ماه توزیع می کنند. در نزدیکی انبارها کارخانه بیخ فعالیت دارد، با ماشین آلات مدرن که روزانه در تابستان $\frac{۳۱}{۲}$ تن بیخ تولید می کند و تا سطح ۸ تن هم می تواند تولید را بالا ببرد.

کارکنان انبارها ۶ اروپایی، ۵۰ کارمند و ۱۲۰ کارگر هستند.

شرکت نفت ایران و انگلیس تشخیص داده است که آموزش کارگامی، حفاری یا چیزهای دیگر به تنهایی کافی نیست. لازم است که کارگران ماهر از ارتقاء رتبه شغلی خود آگاه باشند و نتیجتاً از این طریق ضروری نیز به آنها دست می دهد و علاقه آنها برای مهارت بالاتر جلب می شود. برای دادن یک درجه بالاتر، امتحان مخصوصی گرفته می شود. قبولشدگان گواهینامه قبولی دریافت می کنند و همزمان با آن حقوقشان اضافه می شود و این قبولشدن نشاندهنده سطح مهارت کارگران نیز بود، و اگر هوای کوچ به میرش می زد و کار را رها می کرد در بازگشت برای رفتن سرکار با اشکالاتی مواجه می شد و رتبه شغلی او کمی تنزل می کرد و از این روش استقبال شایانی بعمل آمده هر سال قریب سیصد نفر در مدرسه فنی و حرفه ای مسجد سلیمان کار آموخته و سپس در خدمات شرکت فرار می گیرند.

اضافه بر این، عده زیادی هم هستند که شاگرد صنعتگر بوده و هر سال امتحان داده و داخل در ردیف صنعتگران می شوند. از فرار تخمینی که شده، در مسجد سلیمان سالی سیصد نفر به درجه صنعتگری رسیده و در یکی از فنون مذکور وارد خدمت می شوند. رقم فوق شاهد صادقی برای توسعه دائم عملیات شرکت بوده و دلیل واضحی است بر اینکه اهالی محل با اشتیاق زیاد وارد خدمات شرکت می شوند. نکته جالب توجه آن است که اغلب اهالی این محل تا سنوات اخیر زندگانی عشایری داشته و بیشتر به امور دامی و فلاحتی می پرداختند و اکنون که صنعت مهمی ایجاد شده با اشتیاق زیادی به تحصیل رموز آن پرداخته و وارد خدمات آن می شوند. هلت این تغییر روش زندگانی، آن است که همه آنها شعائر مخصوصی برای صنایع یدی داشته و همینطوری که در امور زواهی - دامی - بنایی - نجاری - و غیره ید طولایی دارند، صنایع جدید را هم حسن استقبال نموده و بوسیله مدرسه فنی مذکور موجبات دخول خود را در صنعت نفت فراهم می آورند. استعداد و پشت کار فوق العاده ای که آنها از حیث کسب معلومات صنعتی جدید ظاهر می سازند موجب همه گونه تحسین بوده و سعادت و پیشرفت اقتصادی مملکت را نوید می دهند. برای آنکه تشریک مساعی و مساعدت کامل بین افراد مستخدمین انگلیسی و ایرانی برقرار گردد،

شرکت وسایل تشویق متعددی برای مستخدمین اروپایی خود تهیه کرده است که زبان فارسی را بیاموزند، و دانستن این زبان را در بعضی موارد، شرط ترفیع رتبه قرار داده است. این نکته واضح است که بهترین اساس تحکیم روابط بین این دو نژاد، همان طرز تکلم مستقیم و بلاواسطه است که فقط بوسیله دانستن زبان حیر می شود، و قسمت اعظم اقدامات معارفی شرکت بر روی این پایه قرار گرفته و نتایج حاصله آن فوق العاده رضایتبخش است.

رفاهیات

در مورد کارهایی که برای روحیه و ولایه انجام گرفته، باید مطلبی گفته شود. برای اروپاییانی که دور از مملکت خود هستند لازم است که تدارکاتی بهتر صورت گیرد. جمماً حدود ۱۰۰۰ اروپایی در این شرکت کار می کنند که ۳۵۰ نفر آنها در مسجد سلیمان، ۵۰۰ نفر در آبادان، تعداد ۷۰ نفر در اهواز و گروههای کوچکتر آنها در جاهای دور افتاده، در ایستگاههای همپاژ و مناطق بیابانی هستند. منظور از اروپاییان بیشتر انگلیسی ها هستند که در این گزارش آمده است.

۳۹ محل بازی تنیس وجود دارد که در ساختن آنها بیشتر از نوع استفاده شده است. چون هوا در اینجا خیلی گرم است و در تابستان چمن کاملاً خشک می شود ما بطور غیر علمی دست به ابتکاراتی زده ایم.

ما مجبوریم که زمین تنیس و فوتبال را کاهگل کنیم و روی آن را صندل دریایی بریزیم. اغلب ایستگاههای بیابانی زمین بازی تنیس دارند. در مسجد سلیمان مسابقه اسب دوانی هر سال ۳ یا ۴ مرتبه برگزار می شود. نویسنده^۱ خود شاهد یکی از این مسابقات بود. همه شرکت کنندگان از داوطلبین بودند و دقیقاً مثل مسابقات اسب دوانی در لندن بود. استخرهای شنا از سالها قبل در مسجد سلیمان ساخته شده و در آبادان نیز در دست ساختمان است. در مسجد سلیمان، آبادان، اهواز، باشگاههایی جادار، خوش ساخت که مجهز به اطاق استراحت، اطاق بیلیارد، اطاق ورق بازی، اطاق مطالعه و معمولاً سالن رقص، سکوی نمایش و اطاق تعویض لباس می باشد وجود دارد. در مسجد سلیمان هشت باشگاه برای تفریح و تجمع کارکنان اروپایی و ایرانی ساخته شده است که هر یک که دارای عمارت مخصوص و لوازم کافی می باشد. باشگاه بسیار بزرگی ساخته شده که در ساخت، راحتی، تجهیزات، استخر، نمایش سینما توگراف، کنسرت، کافه و غیره با بهترین باشگاههای لندن که برای همین منظور ساخته شده است برابری می کند. این باشگاهها

۱- نویسنده گزارش آقای John. W. Williamson می باشد که شاهد این مسابقات بود و در سال ۱۹۲۶ میلادی

تأثیرات بسزایی در راحتی و روحیه اروپاییانی که دور از وطن بسر می‌برند دارد. هم‌اکنون بازیهای تنیس، کریکت، اسب‌سواری، هاکی، اسکواش، فوتبال و غیره نیز رواج کاملی در مسجد سلیمان پیدا کرده و لهذا ۳۰ میدان برای بازیهای مزبور و چندین میدان دیگر جهت بازی گلف و سایر ورزشهای بدنی تدارک دیده شده و پیوسته بر بناهای موجود شهر افزوده می‌شود. بهداشت، مسکن، آموزش و تربیت کادر متخصص بود که منافع اقتصادی و اجتماعی صدور نفت را برای ایران در پی داشت.

کافی است که بگوئیم پیشبرد امر بهداشت و درمان و تأثیرات مثبت صنعتی شدن، بالا بردن استاندارد آسایش قسمت وسیعی از منطقه کارگری ایران را در پی داشت و این امر برای هر کشوری صنعتی امر مهمی است.

منافع اقتصادی بیشتر را که حاصل کار شرکت نفت ایران و انگلیس است برای ایران بدنبال داشت. برای مثال امکانات حمل و نقل پیشرفته و ساختن جاده و وسایل دیگر، دادن سهم نفت به دولت ایران و همکاری با مقامات محلی برای دادن خدمات مناسب و تحریک برای تولید و اضافه کردن حجم و تنوع واردات بداخل ایران به منظور جواب دادن به تقاضاهای وسیع برای کالاهای مختلف. کسانی که از خاورمیانه دیدن کرده‌اند، کاروانتهای فراوان از الاغ و قاطر یا شتر را دیده‌اند که از جاده‌های صعب‌العبور می‌گذرند. این جاده‌ها طی سالهای متمادی از ردپای همین حیوانات درست شده است. یا دیدن جاده‌های امروزی مشخص می‌شود که کشیدن جاده چه کمک بزرگی است به این کشورها. اغلب جاده‌های شرکت در دامنه تپه‌های پربیخ و خم هستند که برای ساختن آنها مهندسان و کارگران زیادی بکار گرفته شده است و بیشتر توسط کارگران زحمتکش و پرتوان بختیاری ساخته شده‌اند که با حقوق بسیار ناچیز و وسایل ابتدایی به این امر می‌پرداختند. قسمت اعظم جاده‌هایی که ساخته شده و دائماً ساخته می‌شوند، برای رسیدن به نواحی جدیدی است که عملیات اجتنابی در آنجا شروع شده و غالباً مسافت زیادی تا مرکز فعالیت مناطق نفتخیز شرکت در مسجد سلیمان دارد.

راه آهن مسجد سلیمان - درخزین، اولین، طولترین و بهترین خط آهنی است که شرکت در خاورمیانه بنا کرده و از مسیر رودخانه تمبی عبور می‌کند که پلهای متعددی بر روی این رودخانه ساخته شده است. این مسیر تا مسجد سلیمان ۳۶ میل است که فاصله زیادی از آن تنگه درازی است و خط آهن در کنار همین رودخانه و داخل تنگه است. حدود ۴۰۰۰ هزار کارگر پسمانی و رسمی شرکت بطور دائم مشغول ساختن و تعمیر جاده‌ها هستند. پهنای این راه آهن ۲.۱ فوت است که در سال ۱۹۲۳ م. ساخته شد. در هر ماه حدود ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ تن مواد و لوازمات بوسیله

این راه آهن حمل می شود. بکک اطالکک رو بازی بنام «درواوری» (Derewary) که بوسیله موتور حرکت می کند مسالران را جابجا و به مقصد می رساند. جاده اتومبیل رو خوبی هم بین مسجد سلیمان و درخزینه بنا شد که دائماً مورد استفاده عموم است. درخزینه از اهواز ۷۵ و از مسجد سلیمان ۵۰ کیلومتر فاصله دارد و در دشت همواری قرار گرفته که خود از مراکز مهم کشاورزی علمی شرکت نفت می باشد. موضوع جالب توجه در این صحاری وسیع، سرسبزی و خرمی آن است که تا چشم کار می کند سبز و منلو از گلهای خوددوری مختلف است.

حقیقتش این است که هدف اصلی این جاده ها برای رفع نیاز متدیهای شرکت نفت ایران و انگلیس است. ساکنین محلی هم می توانند از این جاده ها و وسایل نقلیه استفاده کنند. وسایل نقلیه فراوانی نیز در جاده ها بکار گرفته می شود. سازماندهی و کنترل این وسایل نقلیه در طول این جاده ها کار آسانی نیست. برای مثال ماشینهای حمل و نقل شامل باری، سواری ۴۶۷ دستگاه است که با تعداد ماشینهایی که به مسجد سلیمان رفت و آمد می کنند حدود ۱۰۰۰ دستگاه است و کمتر از این تعداد نیز در اهواز و آبادان است. قابل توجه است که ماشینهای باری مجهز به وسیله مخصوص بنام کنترل گراف هستند که به طور اتوماتیک وقت صرف شده (سرعت، زمان استراحت و فاصله طی شده) را در هر سفر روی کاغذ دایره ای شکل ثبت می کنند. ارزش این چنین وسیله ای برای وقت صرف شده، سرعت زیاد و مسیرهای اضافی رفتن است. رانندگان اتومبیلها و کامیونها اغلب ایرانی هستند که بوسیله شرکت آموزش دیده اند و تعدادی هم عرب و آمریکایی در بین آنها وجود دارد. در اهواز تعمیرگاه بزرگی برای تعمیر ماشینهای سنگین ساخته اند.

باید یاد آور شویم که در جاده های شلوغ مسجد سلیمان ترافیک ماشینها بوسیله آشکاران، بجای پلیس کنترل می شود. مثل میس هوس در لندن. این آشکاران تحت نظر افسران انگلیسی آموزش آتش نشانی دیده اند، و یونیفورم خاکستری رنگ می پوشند. حتی در میدان نفتون که مدرن ترین قسمت است جاده یکطرفه است. ممکن است این جاده در مسیر راهی باشد که اسکندر کبیر در سرراهش برای حمله به هند از آن گذشت. در مورد حمل و نقل این نکته باید گفته شود که کشتی های کوچک بخار که بین اهواز - درخزینه و آبادان - اهواز در حرکتند در آبهای ۵ تا ۳ پایی نیز می روند و دقت های لازم در مورد پیچ و تابهای کارون باید بعمل آید. در موقع سیلاب رودخانه طغیان می کند و محل سوار و پیاده شدن را می پوشاند و گاهی وسوایات زیاد کار را مشکلتر می کنند.

و در پایان برای تکمیل مسئله حمل و نقل باید اشاره ای هم به کاروان نانکرها می که به آبادان می آیند داشته باشیم که نفت خام را به پالایشگاههای شرکت در لاناری، سوت ویلز، گرنگ موث،

اسکاتلند و محصولات تصفیه شده را به مراکز توزیع در سراسر دنیا می‌برند. کاروان کشتی‌ها شامل ۸۶ کشتی است که جمعاً ظرفیت ۷۸۲۰۰۰ تن را دارند که دارای تجهیزات مدرنی هستند. برای اینکه کشتی‌های بزرگ این کاروان بتوانند با ظرفیت کامل بارگیری شوند، در یوآرده، کانال جدیدی به خرج شرکت لایروبی شد (در مسیر شط العرب).

روزانه حدود ۱۰ کشتی وارد آبادان می‌شود، آزمایشات اکتشافی در نقاط ذورافتاده ایران انجام می‌شود، لوله‌هایی که نفت را حمل می‌کنند، مسیری طولانی دارند؛ در نتیجه شرکت مجبور است که ایستگاههای زیادی از تلفن و تلگراف و بی‌سیم را بکار گیرد. دو ایستگاه اصلی بی‌سیم وجود دارد که یکی در مسجد سلیمان و دیگری در آبادان قرار دارد که هر یک پنج دستگاه بی‌سیم بُرد کوتاه با آن در ارتباط است و این بی‌سیمها در ایستگاههای محلی قرار دارد.

از طریق خطوط لوله، شبانه‌روز نفت خام را از مسجد سلیمان به آبادان می‌فرستند. ارتباط تلفنی و تلگرافی بسیار با اهمیت و حیاتی است تا در موقع قطع لوله یا متوقف شدن پمپها هر چه سریعتر عملیات تعمیرات صورت پذیرد. پیامهایی همچون مقدار فشار، همق، تانکرها، درجه حرارت و صدها ریزه کاری فنی دیگر که با اهمیت هستند، برای فرستادن نفت بطور مکرر از طریق تلفن و تلگراف داده می‌شود. هیچ یکاری اینهمه مراقبت لازم ندارد که این خط حیاتی دارد. این وسایل ارتباطی، ایستگاه راه دور آبادان که بزرگترین بندر صادراتی نفت در شرق است را قادر می‌سازد با تانکرها، نفتکش ارتباط برقرار کند و دستورات لازم را برای آنها صادر نماید. بین مسجد سلیمان که دارای صنعت عظیم تولید نفت در خاورمیانه است و آبادان، خطوط ارتباطی در حکم سیستم عصبی می‌باشد. بدون ارتباطات این تأسیسات با مشکلات فراوانی روبرو خواهد بود. مبلغی که باید به دولت ایران پرداخت شود از سال ۱۹۱۳ م. تا ۳۱ دسامبر ۱۹۲۸ بالای ۸ میلیون لیره استرلینگ بوده است که این مبلغ پرداخت شد. در مدت ۲۹ ماه در پایان ۳۹ دسامبر ۱۹۲۹ تخمین زده می‌شود که مبلغ حدود ۱۶ میلیون پوند باشد. از آنجایی که درآمد ملی در ۲۱ - ۱۹۲۶ م. در حدود ۱۶ میلیون پوند بود مشخص می‌شود که این مبلغ اساسی، بار پرداخت کنندگان مالیات را سبک‌تر کند.

شرکت نفت ایران و انگلیس سالانه در حدود ۲ میلیون پوند در قبال دستمزد و خرید کالاهای محلی می‌پردازد. منافع اقتصادی توزیع این همه حقوق در بین کارکنان تنها به حقوق‌بگیران ختم نمی‌شود بلکه افزایش قدرت خرید آنان، منافع زیادی هم برای بازاریان دارد و در نهایت به نفع مملکت است و محرکی است برای تولید بیشتر و واردات کالاهای مورد نیاز کشور.

جالبه توجه است که یادآوری شود به منظور مقابله با نوسانات هزینه‌های زندگی در بین کارگران

ایرانی مخصوصاً گران شدن گندم و آرد، شرکت تصمیم به انبار کردن طلا گرفت تا در موقع کمبود و گرانی، آنها را به بازار عرضه کند و با مستقیماً تجویب کارگران بدهد، تا قیمت‌ها تأثیر منفی در وضعیت زندگی کارگران نداشته باشد. حائز اهمیت است که شاه روشنفکر ایران از پیشتر مناطق تحت عملیات شرکت در ایران بازدید بعمل آورده و در دسامبر سال ۱۹۲۶ م. تعدادی از وزرای کابینه دولت ایران دیدار مشابهی داشتند.

دلایل محکمی وجود دارد که شاه و دولتش توجه خاصی به اقتصاد و منافع اجتماعی و اقتصادی دارند و ایرانیان از صنعت نفت و منافع آن که از این صنعت نوپا نصیب‌شان می‌شود راضی هستند. سیاست این شرکت اقتضا می‌کند که ارتباط خود را با مردم بهتر و بیشتر کند.

این شرکت سالانه گزارشی را در مورد مناطق نفتی ارائه می‌دهد و ترجمه قسمت‌های انتخابی آن را در ایران انتشار می‌دهد و بدین طریق در بین روشنفکران ایرانی، علاقه فراوانی برای پیشبرد و توسعه صنعتی و اقتصاد زنده کشورشان بوجود می‌آید.^۱

توسعه عملیات صنعتی و خدماتی :

هنوز از تبدیل نام میدان نفتون به مسجدسلیمان مدت زیادی نگذشته بود که معدن دیگری در سال ۱۹۲۸ م. در هفتگل که در ۵۸ کیلومتری جنوب شرقی مسجدسلیمان واقع است کشف گردید. این معدن بزرگی که ضخامت سنگ آلوده به نفت آن ۲۷۳ متر است در عمق شصده متری در زیر زمین قرار گرفته و طول آن ۲۷ کیلومتر و عرض آن قریب ۵ کیلومتر است. پس از کشف این معدن، چاه‌های متعددی در آن حفر گردید. در سال ۱۹۳۰ م. از شش چاه آن معدن نفت استخراج می‌شد. در همین زمان راه شومنه بین مسجدسلیمان - هفتگل با وسایل اولیه و قدرت ید کارگران بختیاری توسط پیمانکاران محلی ساخته شد و وسایل جدید حمل و نقل از قبیل اتومبیل‌های سواری و باری از این راه تردد می‌کردند. ناگفته نماند که هنوز هم از این جاده استفاده می‌شود. در سال ۱۹۳۰ م. خط لوله‌ای از هفتگل به کوه عبدالله کشیده شد که به خط لوله‌ای که از مسجدسلیمان به آبادان امتداد داشت متصل می‌گردید و در همان سال قریب به یک میلیون تن نفت از این معدن استخراج گردید. در این تاریخ گنجایش حمل خطوط لوله شرکت به روزی هفده هزار تن یا سالی شش میلیون تن بالغ گردیده بود. با اضافه شدن نفت استخراجی هفتگل، خطوط لوله نیز به موازات افزایش استخراج توسعه یافت.

تا قبل از ملی شدن نفت، قریب ۴۳ حلقه چاه در این منطقه حفر شد.

در سال ۱۹۲۹ م. با احداث دستگاه تقطیر و ایجاد خانه‌های کارکنان در ناحیه بی‌بی‌یان، آن ناحیه نیز به قسمتهای گذشته اضافه گردید و در این سال مساحت کل منطقه مسجد سلیمان به پنجاه کیلومتر مربع رسید.

ذیلاً میزان نفت استخراج شده از مسجد سلیمان و هفتگل نشان داده می‌شود:

سال	تن
۱۹۲۶ میلادی	۳۵۵۶۰۰۰
۱۹۲۷ میلادی	۴۸۳۲۰۰۰
۱۹۲۸ میلادی	۵۳۵۸۰۰۰
۱۹۲۹ میلادی	۵۴۶۱۰۰۰
۱۹۳۰ میلادی	۵۹۲۹۰۰۰
۱۹۳۱ میلادی	۵۷۵۰۰۰۰
۱۹۳۲ میلادی	۶۳۳۶۰۰۰
۱۹۳۳ میلادی	۷۰۸۷۰۰۰

در سال ۱۹۲۸ م. به پاس احترام به چاه شماره یک که طی دو دهه میلیونها پوند را نصیب دولت انگلیس کرده بود مراسم خاصی برگزار شد. در غروب یک روز پاییزی، شیپورچی انگلیسی شرکت نفت، با دمیدن در شیپور خود، مرگ این چاه را اعلام کرد. انعکاس صدای شیپور در کوهها، تنها فایده‌ای بود که بعد از بیست سال از سخاوت چاه به روستایان اطراف رسید. خبر این واقعه سرعت در لندن و همه محافل نفتی پیچیده اما هیچ‌کس را نگران نکرد بلکه همزمان جشن و شادمانی به افتخار چاههای جدیدتر برگزار شد.

اکنون در جلوی ساختمان مرکزی شرکت «بریتیش پترولیوم»، شیر اولین چاهی که در مسجد سلیمان به نفت رسید نصب شده است تا نشانه‌ای باشد از اقتدار شرکت B. P و دولت بریتانیا در ابتدای قرن بیستم. سال ۱۳۰۷ م. باشگاه گلف در محوطه بی‌بی‌یان بنا شد و همیشه جشنها و مراسمهای مختلفی در آن برگزار می‌شد. اهالی مسجد سلیمان ورزش گلف را از انگلیسی‌ها آموختند و به ترویج آن پرداختند.

از سال ۱۹۳۹ م. شرکت به فکر این افتاد که برای کارکنان ایرانی خود خانه و مسکن ساخته و رفاه و آسایش آنها را بتدریج فراهم آورد. در قسمت بهداشتی، تجهیزات زیادتری افزوده شد که بهداشت عمومی کارکنان شرکت را تأمین نماید.

سازمان اداری شرکت ۱

از آغاز اکتشاف نفت در مسجد سلیمان تا سال ۱۹۲۳ م. سازمان اداری شرکت دو مرحله مختلف را بشرح زیر طی کرد:

۱ - مرحله اول از ابتدای کار تا ۱۹۲۳ م. بود پس از آنکه نفت مسجد سلیمان استخراج شد یکی از بازرگانان انگلیسی مقیم هندوستان بنام وللوید، Sir. John. B. Lloyd ریاست شرکت استریک اسکان را در ایران داشت و چنانچه قبلاً گفته شد شرکت مزبور عهده دار امور اداری شرکت نفت در ایران بود. وللوید در سال ۱۹۱۳ م. به لندن رفت و پس از مدت کمی به عضویت هیئت مدیره شرکت نفت منصوب گشت. پس از او برای مدت هفت سال شخصی بنام «والپول»^۱ که او هم هندوستان دیده بود ریاست داشت. در سال ۱۹۲۱ م. سرآرنولد ویلسون و «جاکس»^۲ توأمأ این مقام را داشتند تا اینکه سال بعد سرآرنولد ویلسون عنوان مدیر مقیم شرکت استریک اسکات را حائز گردید و ریاست مطلق با او بود. به استثنای جاکس، ریاست امور شرکت نفت در ایران تا سال ۱۹۲۳ م. با کسانی بود که در هندوستان پرورش یافته و آلوده به افکار استعماری بودند و اینها از ابتدای امر شالوده‌های ریختند که بعدها تأثیر بدی در افکار عمومی و بخصوص بین کارکنان ایرانی شرکت داشت. درین مرحله از اقتدار حکومت مرکزی فقط نامی بیش نبود. خوانین بختیاری در شمال آن استان^۳ و شیخ خزعل از اهواز تا مرز جنوبی را در حیطه اختیار خود داشتند و شرکت برای حفاظت اموال خود و تأمین امنیت متوسل به فتودالهای محلی می‌گردید. قراردادهایی بین شوکت از طرفی و شیخ خزعل و خوانین بختیاری از طرف دیگر منعقد شده بود که بموجب آن هر سال شرکت مبالغی به آنها می‌پرداخت تا امنیت اطراف و جواتب حوزه عملیات شرکت را تأمین نمایند ولی در داخل محوطه عملیات، خود شرکت سازمانی داده بود و اداره‌ای داشت بنام «اداره تأمین» Security - office که وظایف آن عبارت بود از حفظ انتظامات و امنیت در داخل محوطه شرکت و برقراری تماس و رابطه با خان‌ها و شیوخ محلی و مأمورین دولتی و نظارت در کتراهایی که از طرف شرکت به اشخاص مختلف داده می‌شد و سرپرستی اموری که وابسته به روابط بین کارگر و کارفرما بود و اجاره و خرید اراضی و بطور خلاصه هر

۱- بازرگانی بود که در هندوستان ثروت زیادی از تجارت چای بدست آورده بود و بعد مدیر شرکت استریک اسکات شد.

۲- T. L. Jacks که بعدها مدیر مقیم شرکت نفت در تهران شد.

۳- استان خوزستان.

کاری که تماس بین شرکت و اهالی محلی را ایجاد می‌کرد. در تمام مدتی که آن را مرحله اول نامیده‌ایم شرکت کارهای خود را با دولت توسط سفارت انگلیس در تهران انجام می‌داد و فقط پس از برقراری نمایندگی شرکت در تهران در سال ۱۳۰۱ شمسی، تماس مستقیمی بین دولت و شرکت برقرار گشت. در این مرحله شرکت توجهی را برای ایجاد دستگاه تأمین خود در خوزستان می‌کرد، این بود که دولت مرکزی طبق فصل چهاردهم امتیاز داری معهد بوده است که اقدامات لازمه را برای حفاظت امنیت در حوزه عملیات شرکت و مراقبت از اموال و اثاثیه شرکت بنماید و چون از عهده این کار بر نمی‌آمد شرکت ناچار بوده است که خود وسائلی برای تأمین عملیات خویش فراهم سازد.

در این مرحله اول، کارکنان شرکت به قرار زیر بود:

کلیه کارکنان فنی و اداری و بازرگانی شرکت که مشاغل عمده و مسئولیت اداری داشتند همه انگلیسی بودند و کم و بیش کارکنان قسمت اداری انگلیسی‌هایی بودند که هندوستان را دیده و با افکار استعماری آلوده بودند. کلیه کارمندان دفتری و عمومی کارگران فنی و حتی پیشخدمتها و آشپزها هندی و پاکستانی بودند و فقط کارهای فیر فنی به ایرانیان محول بود. تنها کارگران فنی ایرانی عبارت بودند از یکجده بنا و نجار و عده معدودی که زیر دست هندیها و انگلیسی‌ها کارهای فنی آموخته بودند. معدودی ایرانیان هم به عنوان منشی و دبیرزاه^۱ استخدام شده بودند که کمی انگلیسی دانسته و سمت مترجمی داشتند. توجه شرکت برای این کار این بود که طبق فصل دوازدهم امتیاز داری که می‌گوید «صله و فعله باید رعیت اعلی حضرت شاهنشاه باشند» تمهید دیگری ندارد و علاوه می‌کرد که چون کارگران و کارمندان فنی بین ایرانیان یافت نمی‌شود بناچار آنها را از خارج می‌آورد و چون ایرانیانی که بزیان انگلیسی آشنا باشند، نادر هستند لذا برای کارهای دفتری هم از هندوستان استخدام می‌کند. ولی علت حقیقی اینگونه استخدام این بود که کارکنان هندی مطیع‌تر بودند و اگر هم اعتراضی بطرز استخدام خود می‌کردند به سهولت به خدمت آنها خاتمه داده و آنها را روانه هندوستان می‌کردند و بالاتر از همه، اولیای شرکت معتقد بودند که استخدام از چند ملت مختلف اختلافاتی را بین کارکنان شرکت ایجاد می‌نماید که بصره و به صلاح شرکت است. در تمام مدت این مرحله اول، شرکت هیچگونه اقدامی برای تربیت ایرانیان و آموختن کار به آنها نکرد و چون اولیای مافوق دولت هم اعتراضی به چنین روشی

۱- در آن ایام انگلیسیها به کارمندان دفتری که ایرانی بودند، میرزا می‌گفتند و این عنوان را از خوانینی که به منشی‌های خود «میرزا» می‌گفتند اقتباس کرده بودند.

نداشتند شرکت هر رویه‌ای را که می‌خواست تعقیب می‌نمود.

شرکت برای عموم کارکنان انگلیسی خانه‌های مناسب و با آماشی در مسجد سلیمان ساخته و وسایل رفاهی آنها را کاملاً فراهم کرده بود. کارکنان هندی و پاکستانی هم در اطاق‌هایی که به شکل سربازخانه بنا شده و به آنها ده فونی و بیست فونی می‌گفتند مسکنی داشتند ولی برای ایرانیان، اهم از کارگر و کارمند، خانه و مسکنی ساخته نشده بود و آنها مجبور بودند در روستاهای اطراف در خانه‌هایی که بعضی اشخاص متفرقه در مسجد سلیمان ساخته بودند زندگی نمایند. این بود وضع مرحله اول عملیات شرکت و سازمان اداری آن تا سال ۱۳۰۳ شمسی.

۲ - مرحله دوم از موقعی شروع شد که نفوذ و قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گردید و شیخ خزعل به تهران آورده شد و دخالت خوانین بختیاری در امور مسجد سلیمان قطع گردید و ادارات دولتی به تدریج در خوزستان ایجاد گشت. این مرحله کم و بیش تا موقع انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ م برابر با ۱۳۱۳ ش ادامه داشت. در این مرحله کارکنان ایرانی شرکت احساس می‌کردند که حکومت مرکزی سرپرست آنها می‌باشد و اندک اندک زیان به اعتراض گشوده و تقاضاهایی از شرکت می‌کردند و حاضر نبودند رفتاری که سابق با آنها می‌شد را دیگر تحمل نمایند. چند سالی نگذشته بود که راه شومنه تهران - خوزستان ساخته شد و تماس مرکز با این استان توسعه یافت. تحت هدایت و راهنمایی لُرد کدمن تحولی در طرز فکر متصدیان شرکت پدید آمد. دستگاه شرکت استریک اسکات برچیده شد و استخدام انگلیسی‌های هندوستان دیده، رو به تقلیل رفت. ولی مقامات مهم شرکت باز بدست همان کسانی بود که در مرحله اول وارد کار شده و مستقر شده بودند. جای مستحفظین را ژاندارمها و پاسبانان و سربازان گرفتند و کار پلیسهای شرکت محدود به نگهبانی اثاثیه و اموال شرکت در محوطه کار شد و مسئولیت امنیت نواحی مختلف عملیات شرکت را دولت مرکزی بعهده گرفت. بتدریج عده کارمندان ایرانی شرکت افزایش یافت و مؤسسه کوچکی در مسجد سلیمان از طرف شرکت برپا گشت که در آن بعضی کارهای فنی را بکارگران می‌آموختند. چند خانه‌ای در مسجد سلیمان برای کارمندان و کارگران ایرانی که سابقه زیادی در شرکت داشتند ساخته شد ولی اقدام مشابهی در آبادان بعمل نیامد. در این مرحله وضع بهداشت کارمندان و کارگران شرکت بهتر از سابق شد و شرکت درک نمود که از کارکنان سالم و نیرومند استفاده بیشتری می‌توان کرد. دو سال پس از جنگ اول جهانی، آب لوله برای اهالی شهر تهیه شد و اصلاحی در وضع بهداشت شهر نمودند. در این مرحله سیاست حکومت مرکزی این بود که تسلط حکومت تهران بر استان خوزستان کاملاً مستقر گردد، ولی هیچ قدمی برای عمران و آبادی این استان برداشته نشد. دولت مرکزی هرگونه

تظاهرات اجتماعی و سیاسی مردم را با نهایت خشونت و سختی سرکوب می‌کرد. در سال ۱۳۰۸ شمسی وضع ناگوار کارگران نفت به اندازه‌های دشوار و سخت شده بود که دیگر توانایی تحمل برای آنها باقی نمانده بود. فقدان خانه و مسکن و دستمزد کم و هجوم مهاجران برای تحصیل کار، بالاخره منجر به اعتصاب شد. پس از اعتصاب مزبور دولت از شرکت خواست که بررسی دربارهٔ علل اعتصاب نموده و تعدیل در دستمزد کارگران بشود و پس از مدتی شرکت حاضر شد که حداقل دستمزد کارگران غیرنفتی را روزی پنج ریال^۱ و دستمزد کارگران نفتی را هم به همان تناسب بيفزاید. سالهای بین در جنگ اول و دوم جهانی سالهای ثبات و پیشرفت برای شرکت نفت ایران و انگلیس بود. اگرچه این شرکت و شرکتهای وابسته به آن در جستجوی نفت در سایر نقاط عالم بودند اما آنچه برای آن شرکت مهم بود، مسئله بالابش و فروش افزایش آن در مقیاس چهار فازهٔ جهان بود. نفت ایران هنوز نقش اساسی را در جهان ایفاء می‌کرد. با توسعه فعالیتها، نمودار سازمانی شرکت نیز در بریتانیا تغییر پیدا کرد و مستهای جدیدی ایجاد گردیدند. در مناطق غنیمت ایران پروژه‌های خانه‌سازی آغاز گردیدند. صد‌ها کیلومتر جاده احداث شد. لوله‌کشی آب به جریان افتاد و دهها هزار شیر لوله آب و تعداد قابل ملاحظه‌ای ایستگاههای تولید برق و مراکز بهداشت و درمانی ایجاد شد. مهندسين اقدام به ابداع تکنیکهای جدید نمودند، سیستم کنترل مخازن از طریق بررسی مکرر سطح آب و نفت و فشار گاز، موجب طولانی کردن عمر مفید مخازن گردیدند، زمین‌شناسان به دانش دقیقتری در مورد مناطق نفت‌خیز دسترسي پیدا کردند. از سال ۱۹۳۳ م که قرارداد جدید منعقد گشت تا سال ۱۹۳۱ م که رژیم بیست ساله پهلوی اول سقوط کرد شرکت نفت سابق با خیال راحت و بهرمندی کامل از مساعدت دولت به توسعه عملیات خود پرداخت و میزان استخراج چنانکه از ارقام زیر هنویدنا است روبه تزاید رفت:

سال	تن
۱۹۳۳ میلادی	۷۵۳۷۲۷۲
۱۹۳۵ میلادی	۷۴۸۸۰۰۰
۱۹۳۶ میلادی	۸۱۹۸۰۰۰
۱۹۳۷ میلادی	۱۰۱۶۸۰۰۰
۱۹۳۸ میلادی	۱۰۱۹۵۰۰۰
۱۹۳۹ میلادی	۹۵۸۳۰۰۰

۱- ارزش پنج ریال آن زمان، تقریباً معادل ۴۰۱ تومان امروز بود.

تن	سال
۸۶۲۷۰۰۰	۱۹۴۰ میلادی
۶۶۰۵۰۰۰	۱۹۴۱ میلادی
۹۳۹۹۰۰۰	۱۹۴۲ میلادی
۹۷۰۶۰۰۰	۱۹۴۳ میلادی
۱۳۲۷۴۰۰۰	۱۹۴۴ میلادی
۱۶۸۳۹۰۰۰	۱۹۴۵ میلادی

در سال ۱۹۴۴ م. از مجموع ۷۵۳۷۳۷۲ تن نفتی که بوسیله شرکت استخراج گردید متجاوز از دو میلیون تن آن از معدن هنتگل و مابقی از مسجد سلیمان بدست آمد. صرف نظر از معدن تگزاس شرقی واقع در آمریکا، معدن هنتگل از حیث محصول، بزرگترین معدن نفت دنیا است.

در موقوع عقد قرارداد ۱۹۳۴ م. تنها از معادن مسجد سلیمان و هنتگل نفت استخراج می گردید ولی از آن وقت به بعد عملیات کاوش با جدیت زیادتری تعقیب و بتدریج استخراج از معادن جدید آغاز شد. کسی پیش از آن که آتش دومین جنگ جهانی زبانه کشد یعنی سال ۱۹۳۶ م. در محل نفت سفید که سابقاً چشمه های نفت سفید^۱ نامیده می شد و در ۳۷ کیلومتری جنوب مسجد سلیمان واقع است حفاری آغاز و به کشف گاز منجر شد و نفت هم به مقادیر تجارتي بدست آمد. طول این معدن فریب به بیست و چهار کیلومتر و عرض آن شانزده کیلومتر است. در این محل تقریباً بیست سال قبل بمنظور یافتن نفت مجاهدتهایی بکار رفت که به نتیجه ای منجر نگردید.

در سال ۱۹۳۵ م. معدن آخاجاری و پازنان کشف گردید. از معدن آخاجاری از همان سال کشف، استخراج بعمل آمد. در سال ۱۹۳۶ م. از معدن گچساران که در سال ۱۹۳۱ م. کشف شده بود استخراج صورت گرفت.

در سال ۱۹۳۸ م. معدن نفت لالی واقع در شمال مسجد سلیمان کشف و معلوم گردید که قطر سنگ معدن آن ۴۶۵ متر است. استخراج از معدن لالی ۱۰ سال بعد صورت گرفت.

بطور خلاصه بین تاریخ امضای قرارداد جدید و آغاز جنگ دوم جهانی چهار معدن بزرگ نفت و یک معدن گاز کشف شد که مقدمات استخراج از معادن مزبور فراهم می گشت ولی کلیه محصول از مسجد سلیمان و هنتگل بدست می آمد. از سال ۱۹۳۶ م. تا آغاز جنگ دوم جهانی مقادیر

نسبتاً قلیلی نفت خام از مسجد سلیمان به خارج صادر گردید. از سال ۱۹۳۳ م. شرکت برنامه ساختمانی و ایجاد رفاه برای کارکنان را توسعه داد ولی باز هم تعداد منازل ساخته شده تکافوی همه کارکنان را ننموده و این برنامه محدود بود، و شامل همه کارکنان شرکت نمی‌گردید و تولید عدم رضایت بسیاری، بین آنانکه فاقد مسکن و خانه مناسب بودند می‌نمود.

بیمارستان مسجد سلیمان باز هم توسعه بیشتری یافت و شرکت در مانگا‌های متعددی در مسجد سلیمان بنا کرد و جدیدت بسیاری برای تأمین بهداشت عیوم کارکنان خود می‌نمود. چند مدوعه ابتدایی در مسجد سلیمان ساخته و تحویل وزارت فرهنگ داد و تعلیم و تربیت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. بین رئیس‌یکه در آن وقت به ایران حکومت می‌کرد و شرکت نفت روابط حسنی برقرار بود. کارمندان و کارگران بواسطه تضییقاتی که موجود بود جزئیات هیچگونه اعتراضی را نداشتند و شرکت هم جداگانه استفاده را از وضع آن وقت می‌نمود. به کارگران اجازه داده نمی‌شد که اتحادیه‌ای داشته و تقاضاهای مشروع خود را اظهار نمایند و از هرگونه اقدامی در این زمینه با نهایت شدت جلوگیری بعمل می‌آمد.

در آن سالها چون برای کلیه کارکنان ایرانی مسکن ساخته نشده بود، افراد در اطراف محل کار مآولینی برای خود می‌ساختند که با اجازه قبلی از مسئولان شرکت نفت عملی می‌شد و به این ترتیب روز به روز وسعت شهر افزوده‌شد و نواحی متراکم بوجود آمد و همزمان با افزایش جمعیت، لزوم احداث و توسعه تأسیسات شهری ضروری احساس شد و مسجد سلیمان در زمره شهرهای ایران درآمد.

در سال ۱۹۴۰ م. جمعیت شهر به ۲۵۰ هزار نفر بالغ گردید که در مساحتی به وسعت ۸۵۰ کیلومتر مربع و در نواحی پراکنده و دور از هم می‌زیست‌نند.

در سال ۱۳۲۵ شمسی برابر با ۱۹۳۶ م. رضاشاه پهلوی دستور داد که سهام خوانین را دولت به قیمت عادلانه روز خریداری کند و وامهای شرکت را پرداخته، سهام را از گرو درآورد. وزارت دارایی این کار را کرد و هر سهم یک لیره‌ای خوانین بختیاری را به ده لیره خریداری کرد و ملک را هم از رهن شرکت خارج نموده و خود مالک شد.

چنانکه در فصل پیش گفته شد شرکت نفت سالی ۳۰۰ لیره به ایلخانی و حاج ایلخانی بختیاری به عنوان حق الحفاظه مؤسسات خود می‌پرداخت. موقعی که قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گشت شرکت دو صد لیره برآمد که پرداخت این مبلغ را قطع نماید ولی چون در قرارداد اولی که بین خوانین و شرکت منعقد شده بود، شرکت از روی اشتباه و برخلاف مندرجات امتیاز داری متعهد شده بود که پس از خاتمه امتیاز، تأسیسات خود را در مسجد سلیمان مجاناً به خوانین

بختیاری واگذار نماید مذاکراتی با خوانین مزبور کرده و این تعهد را ملفی نمود و در عوض تعهد کرد که سالی سه هزار لیره حق الحفاظه را تا ختم امتیاز به آنها بپردازد. موقعی که وزارت دارایی سهام خوانین را خرید، حق دریافت سالی سه هزار لیره هم به دولت صلح گردید و از آن تاریخ به بعد دولت مبلغ مزبور را وصول می کرد.

قبلاً شرح داده شد که شرکت نفت برای جلب رضایت خوانین بختیاری سی و هفت هزار و سیصد و بیست و یک سهم (یکه لیره‌ای) در شرکت بهره برداری اولیه که یکی از شرکت‌های تابعه آن بود به آنها اختصاص داده بود که هر سال سود آن را دریافت می داشتند. باستثنای سهامی که خوانین بختیاری و دولت ایران و عده معدودی دیگر (که در ابتدای کار آنها هم ایرانی بودند و بعدها قسمت عمده سهام خود را به خارجیان فروختند که شرح آن گذشت) در این شرکت تابعه داشتند. اکثریت سهام در دست شرکت نفت ایران و انگلیس بود و مظنه‌ای هم برای سهام مزبور در بورس داده نمی شد ولی چون سود سالانه این سهام نسبتاً گزاف بود قسمت سهام مزبور (اگر بدست طالبین آن می رسید) بیش از قیمت اسمی آنها بود. پس از جنگ اول جهانی خوانین بختیاری سهام خود را به شرکت نفت وثیقه داده و باعتبار آن چند فقره وام گرفته بودند و در موقع دریافت سود سالانه هم اختلافاتی بین خوانین روی می داد زیرا چهار نفر خانی که از طرف دیگران نمایندگی داشتند سود سهام مزبور را بگیرند، در تقسیم صحیح آن بین دیگران کوتاهی می کردند که منتهی به شکایت عدیده به دولت می شد.

جنگ جهانی دوم و مسجد سلیمان:

در جنگ جهانی دوم، حفاظت از تأسیسات یا استار گونی، شن و گشت زنی مداوم صورت می پذیرفت، حراست از تلگراف خانه و سایر مراکز حساس فکر مسئولین شرکت را مشغول کرده بود. در اوایل جنگ که استخراج و تولید نفت از حوزه‌های نفتی ایران کاهش عمده‌ای یافته بود، کلیه عملیات ساختمانی و توسعه مناطق نفتی متوقف و تمام توجه شرکت معطوف به تأمین وسایل دفاعی و حفظ پناهگاه‌های نفت گردید.

اطراف ایستگاه‌های تلمبه نفت را که در مسیر خطوط لوله واقع بوده سیم‌های خاردار کشیدند و حصارهای فلزی در سرتاسر تمام پناهگاه‌های نفت نصب شد. مقدماتی برای بنی مصرف ساختن

۱- در ابتدا خوانین بختیاری ۱۲۰۰۱۱ سهم در شرکت نفت بختیاری داشتند در سال ۱۹۲۴ م. که شرکت مزبور منحل شد و منضم به شرکت بهره‌برداری اولیه گردید سه درصد از سهام این شرکت که ۳۷۳۲۰۰ باشد درازای ۱۲۰۰۱۱ سهام مذکور به آنها واگذار گردید.

چاههای نفت فراهم گشته بود که اگر این حوزہ‌ها بدست آلمانی‌ها بیفتند، بتوانند در مدت کمی چاهها را منجمد و خراب کنند. پس از آنکه در سال ۱۹۴۰ م. پالایشگاه بحرین مورد هجوم آلمانها قرار گرفت، چراغهای آبادان را شبها خاموش می‌کردند و تمام شهر در طول مدت جنگ خاموش بود.

البته این یکی از نتایج جنگ برای انگلیسی‌ها بود. سایر جنبه‌های زندگی هم بسیار تلختر شده بود. خانواده‌های کارکنان انگلیسی شرکت، در انگلستان بودند و بدین جهت اغلب آنها چه به علت مرخصی و یا به بهانه فرار از گرمای طاقت‌فرسای تابستان از مسجد سلیمان رفته بودند تا خانواده خود را از انگلستان خارج کنند و به محل مطمئن تری بزنند.

انگلستان مورد حمله شدید بمبارانهای آلمان بود. اغلب کارکنان انگلیسی، خانواده‌های خود را به هندوستان و یا آفریقای جنوبی فرستادند. شرایط زندگی در هندوستان از آنچه تصور می‌رفت بدتر بود. آغاز جنگ جهانی دوم که برابر شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی بود، انگلیسی‌های شاغل در مسجد سلیمان، از طریق فرودگاه یکمبه (بین مسجد سلیمان و هفتگل) به خارج از کشور فرار می‌کردند. در ۲۵ اوت سال ۱۹۴۱ م. برابر ۳ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. به نیروهای انگلیسی و روسی دستور داده شد، وارد خاک ایران شوند.

در جنگ شهریور ۱۳۲۰ ش. در مناطق (مسجد سلیمان) درگیری به این شکل بود که انگلیسی‌ها صبح زود در منزل و یاغچه رئیس منطقه اجتماع نمودند. (انگلیسی‌ها از جمله کارکنان ایرانی و هندی کار را تعطیل کرده بودند) بعد از آن پیامی از منطقه هفتگل به صوت دمز و با اصطلاحات حقاری دریافت گردید و طی آن خبر دادند که شش نفر بر ارتشی از طریق بمبئی وارد خاک ایران شده‌اند. ضمناً دو نفر پر دیگر نیز در اثر طوفان از بین رفته‌اند. تقریباً یکصد سرباز هندی وارد خاک ایران شدند و توانستند بدون خونریزی در مسجد سلیمان بر اوضاع مسلط شوند. فرمانده ایرانی سربازخانه در مسجد سلیمان تلاش کرد که به فرمانده انگلیسی تیراندازی کند. هفت تیر خود را به سمت فرمانده انگلیسی نشانه گرفت اما تیر او به خطا رفت و این امر باعث شد که خودش مورد هدف قرار گیرد. این تنها زخمی بود که در مناطق اتفاق افتاد.

بر روی یکی از کوههای اطراف خانه شماره یک علامت «V» به نشانه پیروزی و ویکتوریا با گچ توسط انگلیسی‌ها نوشته شد که ممکن است تاکنون اثر آن باقی باشد.

روز بعد سید نصر از سربازان ایرانی به مسجد سلیمان وارد شدند و در قسمتهای مختلف

سنگرینی کردند و روی روی گاراژ مرکزی شرکت در ناحیه آفریمی مستقر شدند و شروع به جمع آوری همه وسایل حمل و نقل که در دسترس بود و می توانستند پیدا کنند نمودند. موقعیت برای انگلیسی ها خیلی عجیب و غریب شده بود. فرماتده ایرانی از مذاکرات با آقای لین، H. W. Lene که رئیس مناطق نفتخیز بود خودداری کرد. آقای لین یکی از کارمندان ایرانی شرکت به نام آقای قوامی را به عنوان میانجی انتخاب نمود. این شخص فعالیت زیادی در جهت رضایت بخش کردن اوضاع به نفع شرکت و انگلیسی ها کرده او نظامیان ایرانی مستقر در محل را قانع کرد که تعطیل پالایشگاه آبادان به این معنی است که اگر یک چاه از کنترل خارج بشود، نخستین کسانی که بر اثر مسومیت گاز چاه خواهند مرد، فقط نیروهای ایرانی مستقر در منطقه نفتی و در شهر خواهند بود.

به علاوه اگر تلمبه خانه آب مسجد سلیمان بسته شود همه کس، دوست یا دشمن از تشنگی خواهد مرد. این توضیح غیرلینی و دور از واقع از تأثیر کارسازی برخوردار شد و باعث جلوگیری از آسیب رسیده به چاهها یا تلمبه خانه های نفت و آب گردید. در طول روز ۲۷ ماه اوت سال ۱۹۴۱ م. تعداد ۹۶ نفر از اتباع انگلیسی در منزل شماره یک مسجد سلیمان که متعلق به مدیر مناطق نفتخیز بود زندانی شدند و غذا و آب برای دو هفته موجود بود. منزل دارای باغچه وسیعی بود و همه با هم زندگی می کردند. علیرغم سلیقه ها و نظرات مختلف در چنین مواردی انگلیسی ها نسبت به همدیگر همکاری داشتند و این همکاری را عملاً در اردوگاههای نازیها در زمان جنگ هم نشان داده بودند. کارها را بین خود تقسیم کرده بودند و برای این منظور در مورد نگهداری، ساعات کار، باز بودن یا بسته بودن، گروه تنظیفات، آشپزی، رختخواب اندازی و سایر کارها برنامه ریزی کردند. انگلیسی ها تختخوابهای خود را طوری قرار می دادند که به شکل OK به معنی خیلی خوب، در آمده بود. انتظار آنها زیاد طول نکشید. در روز ۲۸ اوت سال ۱۹۴۱ م. یکی از آنها بر روی دیوار و در مقابل در ورودی منزل شماره یک (منزل مدیر) این نوشته را کنده کاری کرد: ۹۶ نفر از کارمندان به اتفاق همسران آنها در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۴۱ م. در این خانه زندانی بودند و توسط نیروهای نظامی ایران به یک مقصد نامعلوم در ساعت ۸/۳۰ صبح روز ۲۸ اوت سال ۱۹۴۱ م. انتقال یافتند. بعدها این شعار کنده کاری شده را با یک پوشش شیشه ای برسم یادگار حفظ کردند.

هنگامی که انگلیسیها دیپلماتیوس قرار گرفتند تا به نقطه ای امن انتقال یابند یا احساسات فریاد می زدند در باره برمی گردیم. افسر ایرانی خوشحال از این که بالاخره انگلیسیها را از منطقه خارج می کند فکر می کرد که آنها بخاطر ادای احترام به وی ابراز احساسات می کنند. به همین

جهت با لبخند زدن و برداشتن کلاه خود به احساسات انگلیسیها پاسخ می داد. مقصد آنها اندیشکده بود اما قبل از آن که در اندیشکده در مهتابخانه شرکت که گنجایش هفت نفر را بیشتر نداشت مستقر گردیدند، متوجه جنگ اعلام گردید و به مسجد سلیمان مراجعت نمودند. در اوایل سال ۱۹۴۱ م. آقای جیمسن و یا آقای ژ. - ژ معروف که خط لوله اصلی نفت مسجد سلیمان آبادان را احداث کرده بودند به ایالات متحده آمریکا روانه گردیدند. به هرجهت آقای ژ. - ژ توانست دستگاههای جدیدی را طرح ریزی کند و آنها را از طریق کشتی های تجاری انگلیسی که مجهز به دفاع در مقابل حملات دشمن بودند روانه خلیج فارس کند.

از موقعی که جنگ دوم جهانی آغاز گشت و تا دو سال بعد از آن صنعت نفت ایران مواجه با اشکالات بسیاری گردید. پیشرفتهای سریع قوای آلمان در اروپا موجب شد، حاصله بین آغاز جنگ و هجوم ارتش متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش. فرصت بسیار مناسبی را برای ایران پیش آورد که نظریات خود را به شرکت قبولانند. متأسفانه این فرصت گرانبها هم از دست رفت و استفاده ای از آن نشد. هجوم ارتش متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش. در درجه اول برای این بود که راهی برای رساندن مهمات جنگی به روسیه بدست آورند ولی نسبتاً نمی توان انکار کرد که حفظ صنعت نفت ایران برای متفقین هم نقش عمده ای را در این تهاجم داشت است و برای آنکه خوانندگان به اهمیت فوق العاده نفت پی ببرند، شرح زیر را از کتاب خاطرات جنگ سر ویلستن چرچیل (جلد سوم صفحه ۲۲۲) نقل می کنیم: «احتیاج به رساندن مهمات جنگی و هر نوع لوازم و تدارکات دیگر به دولت شوروی و مشکلات عظیمی که راه دریای منجمد شمالی دربر داشت، توأم با امکانات سوق الجیشی آبدار، بطور آشکارا ایجاب می کرد که ارتباط کامل با روسیه از طریق ایران برقرار گردد. معادن نفت ایران یک عامل مهم جنگی محسوب می شد و ژنرال ستاد پیشنهاد کردند که عملیات محدود به جنوب باشد و برای این کار ما دست کم یک لشکر که از طرف نیروی هوایی کوچکی یاری شود لازم داشتیم تا بتوانیم معادن نفت را تصرف کنیم.

اگر روسیه دچار شکست شود ما باید حاضر باشیم که معادن نفت ایران را خودمان اشغال کنیم، نقل مطالب فوق آشکار می سازد که نفت ایران چه اهمیتی جزا در جنگ نداشته و علت تهاجم ارتشهای بیگانه به ایران تا چه حد مربوط به نفت بوده است.

پس از آنکه ارتشهای روس و انگلیس در شهریور ۱۳۲۰ ش. برابر ماه اوت ۱۹۴۱ م. به ایران حمله کرده و نقاط مختلف را اشغال کردند اقدامات حفاظتی در نواحی معادن و بخصوص در مسجد سلیمان و آبادان توسعه بسیار یافت. در نقاط مختلف شمال معازن یعنی مسجد سلیمان، گازویل و بنزین اصفافی ساختند تا اتمیلهای ارتش متفقین که حامل لوازم و مهمات به روسیه

بودند، بتوانند مصرف خود را در همه جا حاضر داشته باشند. در سال دوم جنگ که معلوم شد نفت ایران باید مقادیر زیادی فرآورده های نفتی را برای متفقین تهیه نماید، توسعه شرکت دوباره آغاز گشت و دولتهای انگلیس و آمریکا تصمیم گرفتند که لوازم کار را به ایران ارسال دارند. شرکت در سال ۱۹۴۵ م. از معدن نفت سفید شروع به استخراج کرد. و خط لوله ای به قطر بین ۲۵ و ۳۰ سانتیمتر از معدن مزبور به نقطه ای بین اهواز و شوشتر که موسوم به «ویس» است کشیده شد. و به خط لوله بین مسجد سلیمان و آبادان متصل گردید.

این توسعه عملیات متضمن استیضاح کارکنان جدید بود که با عجله زیاد برنامه جنگی را به اتمام رسانند و در همان حال بر عده مستخدمین ایرانی شرکت افزوده گشت.

در اوایل جنگ که بیشتر عملیات جدید شرکت متوقف شده بود برنامه ساختن خانه و سایر وسایل و لوازم کارکنان هم قطع گردیده بود. همین که برنامه توسعه عملیات برای مقاصد جنگی شروع گشت و بر عده کارکنان شرکت افزوده شد جمعیت مسجد سلیمان رویه لژیونی گذاشت و قصبه منزل و مسکن بی نهایت مشکل گشت و هدم و ضایعات بین کارکنان ایرانی شرکت هم روزی روزی تراشد می یافت، تا اینکه بالاخره متعجب به اعتصاب عمومی شد. پس از جنگ توسعه زیادی در صنعت نفت صورت گرفت و استخراج نفت افزایش یافت.

وضع اجتماعی کارگران و کارمندان ایرانی در زمان جنگ دوم جهانی و بعد از آن بسیار وخیم و نگران کننده بود و از حیث منزلت، آب و برق که از ضروریات حیاتی در هوای گرم خوزستان است بسیار در مضیقه بودند. هر جا هیئت امرایی مشاهده می شد کارگران به وضع رقت باری از زندگی خود و اجماع شرکت سابق شکایت می نمودند. در آن زمان وضع بسیار پیشانی در تراکنش صنعت نفت حکمفرما بود و کارکنان هم از حیث منزلت در مضیقه بودند و هم از میزان حقوق که به هیچ وجه با قیمت های روز وفق نمی دادند شکایت داشتند و از تبعیض بین کارکنان ایرانی و کارمندان انگلیسی ناراضی بودند. بدین ترتیب وضع اجتماعی مراکز نفت خیز از لحاظ سیاسی و امنیتی، بسیار وخیم و از لحاظ زندگی، قسمت اعظم سناکتین آن نواحی فوق العاده رقت انگیز بود.

یکی از اقدامات اداره نفت بعد از خاتمه جنگ جهانی در ایران، تقلیل مستخدمین بیگانه شرکت سابق و جانشین ساختن کارمندان ایرانی به جای آنان بود که کم کم ایرانیان وارد مقطع کارمندی می شدند.

بعد از جنگ دوم جهانی شرکت شروع به تدوین برنامه آموزشی جهت تربیت کارکنان ایرانی کرد. البته بعد از آن یادداشتی که از طرف دولت ایران به شرکت داده شد و در قسمت طرح عمومی به جایی نرسید مقرر شد که ویژه کارمندان خارجی داده نشود. این امر باعث شد که

شرکت احتیاجات خودش را از لحاظ کارمندان خارجی به وزارت دارایی متمسک کند و وزارت دارایی تحقیق کند که آیا کارمندان ایرانی با تخصص مشابه وجود دارد یا نه و بعد برای آنها ویزا صادر می‌کرد. اولیاء شرکت نفت هیچگاه کارهای عملیاتی و فنی حساس را به ایرانیها محول نمی‌کردند. تقابداً از این بابت تخصص پیدا کنند و به فوت و فن کارها آشنا شوند یکی از علل اصلی که مانع افزایش تعداد ایرانیان متخصص در شرکت نفت شده بود همان طرز رفتار شرکت نفت انگلیس و ایران با کارمندان عالی رتبه ایرانی بود. برای اکثر ایرانیان که با همت بلند خود نمی‌توانستند توهین و تحقیر را تحمل کنند و از اشخاص با صلاحیت و با شخصیت بردند که لیاقت قابل توجهی در اداره کارها داشتند با وجود مزایای مادی، خدمت شرکت را ترک می‌گفتند و به کارهای آزاد و گاهی کارهای دولتی با حقوق و مزایای کمتری تن می‌دادند.

در ۵۶ کیلومتری شمال مسجد سلیمان معدن لالی قرار گرفته است که رودخانه کارون در وسط آن جاری است و مساحت آن ۶۳ کیلومتر مربع است. قبل از جنگ دوم جهانی و در اثنای جنگ، استعداد این معدن اندازه گیری شده و معلوم شده بود منبع مهمی است ولی تا پس از جنگ، نفتی از آن استخراج نشده بود. شرکت در سال ۱۹۳۶ م. برابر با ۱۳۲۵ ش. اولین چاه را در این معدن حفر کرده و به نفت رسید و پس از آن چاههای دیگری نیز حفر شد. در سال ۱۹۳۷ م. برابر با ۱۳۲۶ ش. خط لوله‌ای به قطرهای مختلف بین ۲۵ سانتیمتر و ۳۰ سانتیمتر و نیم از لالی به مسجد سلیمان کشیده شد که معدن لالی را به خطوط لوله مسجد سلیمان متصل نماید و در سال ۱۹۴۸ م. نیم میلیون تن نفت از این نقطه استخراج گردید. در سال ۱۹۵۱ م. از چهار حلقه چاه این معدن، نفت استخراج می‌گردید و محصول آن به ۷۵۰۰۰۰ تن در سال رسیده بود. نفت لالی عاری از گوگرد، ولی قدری سنگین بود و گفته می‌شد که پس از حفر چاههای دیگر محصول آن خیلی زیادتر خواهد شد. بهر حال توسعه و تکامل امور شرکت مرتباً ادامه داشت و معدن نفتی را نیز که در لالی واقع در شمال مسجد سلیمان کشف شده بود، باید طلیعه آتیه درخشانی بشمرد. رودخانه کارون، لالی را به دو ناحیه شرقی و غربی تقسیم می‌کند. وسیله ارتباط شرق و غرب شهر را، پیکتپل آهنی که در سال ۱۳۲۸ ش. بر روی رود ساخته شده است تأمین می‌کند و بین دشت لالی در ساحل چپ و عینل در ساحل راست رودخانه ارتباط برقرار می‌نماید. این پل مسیر عمده کوچ سالانه قبایل بختیاری است که هنگام زمستان احشام خود را از کوههای بختیاری به نقاط کم ارتفاع می‌رانند و لالی یکی از مراکز تجمع ایل بختیاری است. در سال ۱۳۴۱ ش. در دشت لالی فرودگاهی توسط شرکت نفت بنا شد و خدمات هوایی فراوانی به کارکنان این منطقه ارائه نمود. حتی در آن سالها مانوری در فرودگاه مذکور به اجرا درآمد که بخود حاکی از اهمیت آن است.

شرکت نفت برای کارکنان خود و خانواده‌های آنها در این منطقه و در ناحیه هبل، مسکن، درمانگاه، باشگاه، سینما، دبستان، کودکان، بازاری، استخر شنای مدرن، زمین تنیس، والیبال و غیره بنا نمود. هنگام اشغال ایران توسط قوای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ ش. و همچنین بعد از خاتمه جنگ دوم جهانی، مردم ایران به ماهیت بیگانگان از جمله انگلیس‌ها پی بردند و فهمیدند که آنها با ملت ایران دوست نیستند. در نتیجه آزادی نسبی که بعد از سالهای پایان جنگ به وجود آمده بود، احزاب مختلف در ایران تشکیل گردید.

کتابها و نشریات و مقالات زیادی منتشر شد و شروع به انشاء مطالبی در مورد دورهٔ اختناق از جمله کودتای رضاخان و چگونگی به سلطنت رسیدن وی نمودند. بدین ترتیب مشت دولت انگلیس و شرکت نفت انگلیس و ایران باز شد و مداخلات آنها در امور سیاسی و اقتصادی ایران روشن گردید. از طرفی با توجه به آزادی بیانی که ایجاد شده بود، کارگران توانستند وضع اسفناکه و بی‌شقتبار خود را تا حدی شرح دهند و با شرکت در اعتصابات به ویژه اعتصاب بزرگ ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ ش. کارگران آبادان و مناطق نفت خیز که قدرت عظیم آنها را برای گرفتن حق خود آشکار ساخت، شرکت را متوجه نمود که باید رویه خود را سریعاً تغییر دهد.

● نقل از روزنامهٔ اطلاعات، سه‌شنبه بیست و پنجم تیرماه ۱۳۲۵ ش.:

اعتصابات کارگران عیناً منعکس می‌شود:

در نتیجه اعتصابات در مراکز نفتی شرکت ایران و انگلیس، عدهٔ زیادی زخمی و جسمى کشته شدند. تظاهرات کارگران در شهرهای بهم خوزستان باعث ایجاد اعلام حکومت نظامی شده است. محافل انگلیسی مدعی هستند که اعتصاب فقط به دلایل کاملاً سیاسی ترتیب داده شده بود. در نخستین ساعات روز یکشنبه ۲۳ تیرماه، در آبادان، مسجد سلیمان، لالی، اهواز، آغاجاری و دیگر مراکز نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس، کارگرانی که اعضای اتحادیه کارگران بودند، به یک اعتصاب عمومی بزرگ اقدام کردند و تمام کارگران از کار دست کشیدند و در نقاط اعتصاب، در باشگاههای اتحادیه‌های خود اجتماع کرده، درخواست کردند:

۱- شرکت نفت ایران و انگلیس از مداخله در امور سیاسی، خودداری کند و عساکر عرب را بر ضد کارگران اتحادیه برنماید.

۲- آقای مصباح فاطمی استاندار خوزستان به تهران احضار گردد.

اجتماع کارگران در مراکز نفتی آرامش را برهم زد و برای احادهٔ نظم، حکومت نظامی در اهواز، مسجد سلیمان، آبادان و بعضی دیگر از نقاط اعلام گردید.

هنگامی که آقای مصباح فاطمی استاندار خوزستان در تهران بودند، طبق تصویب‌نامه‌ای که از هیئت

وزیران گذشت، به ایشان حق داده شد، هر وقت که موقعیت ایجاد کند، حکومت نظامی اعلام کنند و اکنون نیز طبق این تصویرنامه، در مرکز خوزستان و دیگر شهرهای کارگری آن، مقررات حکومت نظامی اجرا می‌شود و طبق این مقررات است که در نفر از کارگران راه آهن ینامهای و کاوه و بیفرخس، و با بلپانزده نفر دیگر در اهواز بازداشت کردند، زیرا بیم آن می‌رفت که در راه آهن جنوب نیز نظم و آرامش از میان برود، ولی طبق آخرین خبری که رسیده، این عده آزاد شده‌اند و اکنون در اهواز آرامش برقرار است. ما منتظر کسب اطلاعات زمینی از هیئت هستیم به ریاست آقای مظفر فیروز، معاون سیاسی نخست‌وزیر و عضویت آقای آرامش کفیل وزارت بازرگانی و پیشه و هنر و چند تن از نمایندگان حزب توده، که با هواپیما به سمت خوزستان رفته و اکنون در مسجد سلیمان و آبادان هستند.

● نقل از روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۲۵ ش ۱:

احتصاب کارگران نفت پایان یافت و عده کشتگان را مخبر اطلاعات بین ۳۰ و ۶۰ نفر تخمین می‌زند. کارگران به کار مشغول شدند، بشرط آنکه به تقاضاهای آنان رسیدگی شود. احتصاب در مراکز نفتی خوزستان پایان یافته و در این استان، بار دیگر آرامش برقرار گردیده است و هیئت هم که برای رسیدگی به اوضاع خوزستان به ریاست آقای مظفر فیروز معاون سیاسی آقای نخست‌وزیر و عضویت آقای آرامش، کفیل وزارت بازرگانی و پیشه و هنر و آقای ورزی باوزر، مخصوصاً نخست‌وزیر و آقای تقی مدیرکل وزارت بازرگانی و پیشه و هنر و آقای حمید رضوی رئیس اداره اطلاعات و خبرگزاری پارس و آقای فرشید مدیر روزنامه ذبیای امروز، به نمایندگی عده‌ای از جراید تهران به اهواز رفته بودند، پس از رسیدگی به تقاضاهای در محل، دیشب ساعت ۸ به تهران وارد شدند. آقای تقی برای تحقیقات بیشتری در خوزستان توقف نموده‌اند و آقایان دکتر رادمنش و دکتر جودت، نمایندگان شورای اتحاد مرکزی که به همراهی هشت اعراسی به مسجد سلیمان و آبادان رفته بودند نیز در خوزستان هستند. از خبرهایی که از جنوب رسیده، هنوز تصویر روشنی از حقیقت اوضاع بدست نمی‌دهند و گزارشات مخبرین ما از نظر آنکه تحقیقات مأمورین دولت نیز کامل نیست نمی‌تواند جریان واقعی و چگونگی شروع زدو خورد و عده حقیقی زخمیها و کشته‌شدگان را بدهند. در این حوادث اعراب بیشتر مسلح به کارد، خنجر بوده و اسلحه گرم هم داشته‌اند، تولید نفت در ایران به میزان بیش از سایر قسمت‌های خاورمیانه افزایش یافته بود، در حالی که مسجد سلیمان همچنان به عنوان پایتخت مناطق نفتخیز محسوب می‌شد.

در حال ۲۳-۲۵ ش ۱ که مسجد سلیمان همچنان مرکز کل مناطق نفتخیز ایران بود و از نظر امکانات

زندگی و وجود تکنولوژی همپای مراکز صنعتی اروپا به شمار می‌رفت، شهرهای فعلی اینده، باغملک و شهرکرد، روستاهایی با جمعیت هفتاد تا هشتاد نفر بودند و در آن روستاها، آلائی از آبادانی و صنعت به چشم نمی‌خورد.

مسجد سلیمان، هفتگل و آبادان دو آن روزها میدان به جوامع بزرگی مانند شهرهای انگلستان شده بودند. برای هر نوع علاقه، یک تفریح وجود داشت. از بازیهای تئیس، گلف و فوتبال تا تیراندازی، اسکواش، قایق سواری، پریم، پولینگ، عکاسی، نقاشی، تئاتر، هنرهای دراماتیک و پارتنی های شبانه همه در دسترس بودند. با این تفاوت که دسترسی به این نوع تفریحات در انگلستان مستلزم پیسودن بعد مسافت زیادی بود.

شرکت نفت برای اعلام، آغاز و خاتمه کار از آژیر صوتی که به لفظ انگلیسی به آن فیدوس **Faidus** می‌گفتند استفاده می‌کرد.

محل‌های به صدا درآوردن آژیر در اداره آتش‌نشانی، چشمه علی، بین بی‌بیان و تجمی بوده ساخت چهار بعد از ظهر یا صدای فیدوس (آژیر) انبوه کارگران با بویلر صوتی **Boiler Suit** (لباس کار) آبی رنگ پیاده و یا سوار بر دوچرخه در حالی که سپرتاس (ظرف سفری مخصوص حمل غذا) دو یا سه طبقه و دول آب در دست داشتند به سوی خانه روان می‌شدند و شهر از حالت یکجا نواختی بیرون می‌آمد.

بعضی از کارگران در سر راه دسته‌های سبزی خوردن می‌خریدند تا عصرانه خود را تداوم ببینند. غذای دیگر هندوانه، رطب و خیار ترنگ (چنبر) می‌خریدند. مغازه‌ها غالباً وقت کار خود را با آغاز کار کارگران روز کار تنظیم می‌کردند. کاسب‌ها در زمستان از ساعت ۷ صبح تا ۱۲ ظهر و در پیدای ظهرها از ساعت ۴ به بعد مغازه خود را باز می‌کردند.

حقوق کارگران هر دو هفته یکبار پرداخت می‌شد و قبل از دریافت وجه بین کارگران «چتی» **Chety** (کارت کوچکی که مبلغ حقوق بر روی آن درج شده بود) توزیع می‌گردید. حقوق کارگران تقیاً و در پاکت‌های جداگانه با ارائه چتی به هر یک از آنها پرداخت می‌گردید. وقتی که شرکت تصمیم می‌گرفت به حداقل دستمزد روزانه کارگران مبلغی معادل یک یا دو ریال اضافه کند شایعه آن در بازار و شهر می‌پیچید. بازاریان خوشحال بودند که کارگران بیکه پیسه **Back Pay** (مقدار پولی که از تاریخ تصویب اضافه دستمزد تا تاریخ پرداخت عملی آن به

کارگران پرداخت می شد که معمولاً چندین ماه طول می کشید. حقوق خود را خرید خواهند کرد. شمار اهل خانه هم این بود. امروز معاشه و بنگها پر آتش.

در تابستان شروع کار از ساعت ۶ صبح و بطور یکسره تا ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر بود. پنجشنبه ها تا ساعت ۱۲ ظهر کار می کردند. بین ساعت ۱۰ تا ۱۰/۱۵ صبح یک ساعت استراحت بود که به لفظ انگلیسی به آن «بریک» Brake می گفتند. صبحها به استثنای روزهای تعطیل سه ربع ساعت قبل از شروع کار سه آژیر که به آن لیدوس اول^۱ می گفتند به صدا در می آمد. پس از گذشت نیم ساعت مجدداً دو آژیر و در ساعت ۶ صبح یک آژیر یا لیدوس آخر زده می شد.

اگر کسی بعد از به صدا در آمدن آژیر آخر به محل کار می رسید جریمه می شد و پشت دروازه های ورودی می ماند. تا از رئیس واحد وی اجازه ورود کسب کرد. در غیر این صورت، آن روز جریمه می شد. جیره یخ کارگران در تابستان ربع قالب (یک چهارم قالب) در روز بود. ماشینهای باری حامل یخ از ساعت ۳ صبح در محلهای مختلف منازل مسکونی مستقر می شدند و یخ را بین کارگرانی که قبلاً کوبن یخ در حالت کرده بودند توزیع می کردند. کارگران یخ را معمولاً در گونی و یا در صندوقهای چوبی که بدنه آنها از پوشال چوب و ورق آهنی گالوانیزه پوشیده شده بود به نام صندوق یخی نگهداری می کردند.

به هر تقدیر انگلیسیها به موازات استفاده از منابع سرشار نفت ایران به طرز بی موزیانه فرهنگ و زبان و آداب روزمره خود را بخصوص در محیط کار و در معاشرت های کارکنان بختیاری اشاعه می دادند.

در غالب مناطق مسکونی کارگری و شخصی لوله کشی آب وجود نداشت. در سر هر ردیف خانه که اصطلاحاً به لفظ انگلیسی به آن «لین» Line می گفتند یک شیر فشاری آب بود که به آن «بمبوه» Bambo می گفتند. زنها و دخترها ظرفهای خالی آب خود را در صف قرار می دادند تا به نوبت پر شود. غالباً بین زنها مشاجره می شد و گاهی منجر به زدوخورد می گردید. شیرهای فشاری آب به محل بختیهای اجتماعتی هم بود و چه بسا منتج به آشنایی خانوادها و سرانجام خواستگاری و عروسی می شد.

بعد از جنگ دوم جهانی نیروهای افسرانگر انگلیس بر اساس تاریخ مورد توافق از ایران خارج شدند ولی روسها همچنان در خاک ایران باقی ماندند. میزان ذخائر انگلیسیها از نظر مواد و کالا و همچنین سایر مایملکات خیلی زیاد و روابط شرکت با دولت ایران حسنه بود.

۱- کارگران لیدوس اول را در زبان بختیاری «شیت اول» و آژیر آخر را هم «شیت اخیر» می گفتند.

خفلیت شرکت در ربط دادن صنعت نفت با اقتصاد عمومی کشور.

یکی از بزرگترین خیطهای شرکت نفت این بود که نمیخواست صنعت نفت ایران ارتباطی با اقتصاد عمومی کشور حاصل نماید و در اثر این خفلیت و خیط عظیم عملیات آن همیشه مجزا و مستقل از امور اقتصادی کشور قرار گرفته بود. از ابتدای امتیاز داری تا بیست سال بعد از آن که قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گشت هیچگاه شرکت سعی نکرد که از محصولات داخلی ایران استفاده نماید و کلیه لوازم خود و کارکنانش را از خارج وارد می کرد. هدر و بهانه شرکت این بود که خوزستان با سایر نقاط ایران رابطهای ندارد و فقدان راه و راه آهن بین خوزستان و سایر نقاط مانع از این است که شرکت از فرآورده های داخلی ایران استفاده نماید. معینا پس از آنکه راه شوسه خرم آباد ساخته شد و راه آهن سراسری ایران هم ایجاد گشت باز همین رویه ادامه داشت.

این قضیه را با چند مثال بهتر می توان آشکار ساخت. شرکت مغازه هایی در مراکز عمده خود داشت که کلیه مایحتاج کارمندان را از خارج وارد کرده و در آنها می فروخت. تا موقع عقد قرارداد ۱۹۳۳ م کالاهایی که در این مغازه بفروش می رسید، اختصاص به کارمندان انگلیسی داشت.

یکی از کالاهایی که مورد احتیاج مبرم کارکنان واقع می شد میوه بود که اگر شرکت ترتیبی می داد تا هفته ای یک بار هواپیمای شرکت به اصفهان و همدان یا تهران رفته و مقداری میوه تازه و خوب آورده بفروش رساند هم کمک بزرگی به کارکنان شرکت که مصرف کننده بودند و هم به تولیدکنندگان میوه در نقاط شمالی و مرکزی ایران می بود.

اینها البته چیزهای جزئی بود که بعدها خود بخود اصلاح شد. بدین معنی که مقدار زیادی نوشابه ساخت تهران به خوزستان حمل و به فروش می رسید و اتومبیلهای باری متعددی میوه زیادی از اصفهان آورده و در بازار مسجد سلیمان می فروختند.

در قسمت زراعت و کشاورزی نیز شرکت می توانست کمکهای عمده ای به اهالی خوزستان بنماید تا از محصولی که به عمل می آمد مستخدمین آن بهره مند گردند ولی از این کار خفلیت کرد.

از گاز نفت می توان صنایع شیمیایی بزرگی را برآورد ساخت. شرکت نفت از بهر دادن گاز نفت زمینهای بسیاری به ایران وارد ساخت و اگر مثلاً کارخانه های برای تهیه کود شیمیایی در مسجد سلیمان ایجاد کرده بود چه اندازه در اقتصاد کشور مؤثر می شد و چقدر از گاز نفتی که به هدر می رفت استفاده می کرد.

کارهای سودمندی که شرکت می توانست انجام دهد و صنعت نفت را در اقتصاد کشور وارد نماید،

یکی دو تا نیست و شرح کامل آنها به‌خرازا خواهد گشتید.
خفت‌های متصدیان امور.

یکی از خفت‌هایی که در گذشته متصدیان امور مرتکب شدند، این بود که اغلب متصدیان امر و کسانی که باید امور مربوط به شرکت نفت را رسیدگی کنند، از وضع خوزستان بی‌اطلاع بودند و حتی برای یک مرتبه هم این استان را ندیده بودند و عظمت صنعت نفت را که در تمام شئون افاری، سیاسی و اقتصادی این استان مؤثر بود، درک نکرده بودند. شهر مسجد سلیمان، استحقاق این را داشت که بهترین مأمورین دولت به این منطقه اعزام شوند تا در مقابل خارجیان ابراز شخصیت نموده و حقوق مآکین نقاط مزبور را (چه آنهایی که در استخدام شرکت بودند و چه دیگران که نبودند) حفظ نمایند. متأسفانه به این نکته فوق‌العاده مهم در تمام مدت امتیاز اندک توجهی نشد و اغلب واحوردهای وزارتخانه‌ها به مراکز نفت مأمور می‌شدند که به هیچ وجه صلاحیت نداشتند. خفت دیگری که در گذشته می‌شد، این بود که هر وقت اختلافی با شرکت نفت روی می‌داد متصدیان امر آن را پنهان می‌کردند و از انتشار آن خودداری می‌کردند در صورتی که اگر مردم را از آن مطلع می‌ساختند و افکار عمومی را به پشتیبانی خود تجهیز می‌کردند، در مقابل بیگانگان بهتر می‌توانستند ایستادگی کنند و مقاومت نشان دهند. خفت دیگر این بود که دولت در مراکز نفت، برای مأمورین خود خانه و مسکن نداشت و خانه‌های مناسبی هم برای اجاره موجود نبود. مأمور دولت فوری پس از ورود به مسجد سلیمان محتاج به این بود که خانه‌ای از شرکت بخواهد و مبل و اثاثیه مطالبه کند و دستگاه سردکننده هوا و یخچال و غیره را تقاضا نماید اینگونه تقاضاها که اغلب با اسما که مورد قبول شرکت واقع می‌گشت، مأمور مزبور را تا اندازه‌ای بدون اخلاقی شرکت می‌نمود و چنین مأموری، دیگر آن شخصیت لازم را در مقابل شرکت نداشت. دولت نمی‌بایستی از ابتدای امر به تعداد مأمورین خود خانه از شرکت تقاضا کند و بدون دخالت شرکت خانه‌ها را به تناسب مقام و رتبه مأمورین خود به آنها تخصیص دهد. البته شرکت در مقابل تقاضای دولت اشکالات بسیار می‌تراشید و متعلو می‌شد که کارکنان آن بی‌خانه هستند و حق اولویت دارند. ما گفته‌ایم که از ابتدا تا سال ۱۳۵۷ ش. شرکت نفت حتی به ژاندارسها و پاسپانهای شهرتانی هم جیره می‌داد و آنها از کلیه امکانات شرکت استفاده می‌کردند.

آنهایی که در مسجد سلیمان بودند می‌دانند که دادن خانه از طرف شرکت به مأمورین دولت چه نفعاتی را برای مأمورین مزبور ایجاد می‌کرد و چه اندازه برای مأمورین پاکدامن، ناگوار بود که زیر بار منت شرکت بروند.

رفزاری که شرکت با کارکنان خود می‌نمود :

از آغاز فعالیت‌های شرکت و کشف نفت در مسجد سلیمان تا سال ۱۳۰۸ ش. حداقل دستمزد کارگران شرکت نفت از روزی چند ریال تجاوز نمی‌کرد. پس از این تاریخ حداقل دستمزد آنها به پنج ریال افزایش یافت و این مبلغ تا اوایل جنگ دوم جهانی با اندک تغییری برقرار بود.

بین سال ۱۳۱۵ و ۱۳۲۰ ش. شاخص کل هزینه زندگی تقریباً دو برابر و نیم شده بود ولی دستمزد کارگران نفت به همان پایه سابق مانده بود، موقعی که ارتش‌های بیگانگان به ایران هجوم آورده و تقریباً تمام کشور را اشغال کردند بواسطه تورم پول و کمیابی کالاهای خارجی و احتکار کالاهای داخلی و عروج و مرج اقتصادي که حکمفرما گردید. هزینه زندگی با سرعت عجیبی بالا رفت و در سال ۱۳۲۳ ش. شاخص کل به ده برابر آنچه در سال ۱۳۱۵ ش. بود، رسید.

کارکنان نفت هم مانند سایر مردم در مصیقه غریبی قرار گرفته بودند و چون با حضور ارتش خارجی وسیله اعتراضی نداشتند، مشقت و سختی را تحمل کرده و ساکت بودند. لکن در آن وقت ارتش‌های آمریکا و انگلستان محتاج به کارکنان و مستخدمین فنی بوده و حاضر بودند که دستمزد بیشتری بدهند و عده‌ای را استخدام نمایند. این احتیاج تولید، رقابتی بین ارتش‌های بیگانه و شرکت نفت ایجاد کرد که لازم بود خاتمه یابد. لذا شرکت در سال ۱۹۴۲ م. یک قرارداد بر دستمزد کارگران افزود و جیره نان و قند و شکر رایگان به آنها داد و ضمناً با اولیای ارتش‌های بیگانه فراری گذاشت که دستمزدها را ثابت نگاهداشته و رقابت در استخدام را قطع نمایند. اضافات مذکور موجب شد که حداقل دستمزد به چهارده ریال افزایش یابد ولی ترقی روزافزون هزینه زندگی و کاهش ارزش پول ایران و کمیابی مایحتاج و از همه بدتر کرایه گزاف مسکن اضافات مزبور را خنثی کرد و کارکنان شرکت باز دچار مصیقه سختی بودند. برنامه خالص سازی شرکت هم در ایام جنگ دوم جهانی متوقف شده بود و از طرفی افزایش عده کارکنان و از طرفی دیگر کمی خانه‌های مسکونی مناسب، تقاضا را بر عرضه طلبنداده و مصیقه غریبی برای کارکنان ایرانی شرکت در مسجد سلیمان و سایر مناطق فراهم ساخته بود.

کمی دستمزد، فقدان مسکن، محدود بودن آزادی مردم در ایام جنگ، افزایش هزینه زندگی، دلخوری‌های ایام گذشته، بودن قوانینی که حقوق کارگر را حفظ نمایند، خفقت اولیای امور، وضع را برای نهضت و قیام کارگران فراهم ساخت و زمینه فوق‌العاده مساعدی برای حزب توده ایجاد شده بود که عملیات خود را در سالهای آخر جنگ در خوزستان شروع نماید و کارگران مستعد هم با آغوش باز پیشوایان و عمال آن را استقبال نمودند. در بین کارمندان هم عدم وضاحت شدیدی در آن ایام حکمفرما بوده آنها هم گرفتار افزایش هزینه زندگی و گرانی مسکن و

بعضیات گوناگونی بودند.

انگلیسی‌ها راضی نمی‌شدند. کارگر ایرانی در سایه این تأسیسات تحت قوت لایموت خلافت باشد. شرکت نفت این مملکت را گرفتار فقر و جهالت ساخته بود تا کارگران ارزان استخدام کند و از نشناختن سالم و با لوله هم که مطالبه حق کنند، خیری نبود.

انگلیسی‌ها در سهامی استعماری را به خوبی در کشورهایمانند هندوستان و سایر مناطق فراگرفته و تجربه کرده بودند و نمی‌خواستند بطورب تلخ خورشدهای آن مملکت در ایران تکرار شود. انگلیسی‌ها با انجام بعضی اصلاحات ظاهرفریب در مناطق نفت‌خیز و ایجاد مراکز تفریحی و تباد و ذوق و برقعار و برپایی سحافل آن چندی، طوری واقف گردیدند مثل اینکه این خوزستان بیکه بیابانی بوده مثل رنگارهای آفریقا و در آنجا هیچ چیز نبوده جز بیکه ملت مردم لغت و برهنه و آنها آمدند و تمدن را به این منطقه آوردند. در صورتی که بیکه نژادگاورومطای تمدن بشری همین خوزستان بوده است. خرابه‌های فروش و آثاری که از آنجا بدست آمده و موجود است نشان می‌دهد که خوزستان تا چه اندازه آباد بوده است. اگر این منطقه از نظر انگلیسی‌ها بیکه بیابان خشک و بی آب و حلف بوده فقط برای این است که کارگر لوزان برای استخراج نفت در دسترس داشته است. هر کارگر ایرانی که در استخدام شرکت بود وضع زندگی او را طوری رقم می‌زدند که وضع گذران و زندگی وی منحصر به همان حقوق شرکت و اجیاً خانه شرکتی دو اطاله شود (که هنگام بازنشستگی، همان خانه دو اطاله را نیز از او پس می‌گرفتند) و از آنها هرگونه استفاده‌های می‌کردند. در حقیقت خود و خانواده آن کارگر و یا کلیمت ایرانی را اجیر و جبرمخوثر و در نهایت طرفدار، باز می‌آوردند. کارگر نیرویش را و کارمند روحش را به آنها می‌فروخت. اگر کارگری بازنشسته می‌شد طولی نمی‌کشید که فوت می‌کرد و عمر دوران بازنشستگی خیلی کوتاه بود. شرکت نفت ایران و انگلیس وضعی پیش آورده بود که غالب ملت ایران حلالند بودند، کلیمت و یا کارگر آن باشد و شماره کارگری یا کلیمتی شرکت را که بیشتر فیه به شماره زندانیان بود تا شماره شناسایی، بر روی جیب لباس کار خود نصب کنند. کشاورزان و صنعتگران اصلهائی و شهرکردی، بختیاری، چهارمحالی و یزدی، با قاطر از راه اینها مال امیر و بازلت به مسجد سلیمان می‌آمدند و کشاورزی و صنعتکاری را رها می‌کردند تا در شرکت به شغل‌های فرائشی، باغبانی، یارکاره فیر و کارگر ساده استخدام شوند و تاخوه آگاه تحت تأثیر فرهنگ استعماری غرب قرار می‌گرفتند و از جامعه سنی خود جدا می‌شدند.

شرکت نفت انگلیس و ایران در طول حیات خود اجازه نداد ایرانیها در رأس مشاغل حساس قرار گیرند و مانع می‌شد که ایرانیها فوت و فن استخراج نفت را یاد بگیرند. اگر به بیکه ایرانی مثل

نسبتاً مهی می دادند باید کاملاً از وی اطمینان حاصل می کردند که در جهت منافع آنها عمل می کند. اما نبوغ و هوش فوق العاده ایرانی ها باعث شد که در کاری که انجام می دادند مهارت بسیاری از خود نشان دهند. در طول شش سال جنگ جهانی دوم در کارگاه مرکزی مسجد سلیمان، ایزاری ساختند و تعمیر کردند که برای انگلیسی ها قابل تحسین بود. شاید به دلیل همین نبوغ و ابتکار ایرانی بود که انگلیسی ها از واگذاری کارهای حساس به آنها خوف داشتند.

• توسعه فرهنگ از سال ۱۹۰۹ تا سال «۱۳۲۹ شمسی» :

عده زیادی از ایرانیان که دیرمتان را تمام کرده و با زبان انگلیسی هم آشنایی داشتند حاضر و مهبای این نموده بود که در شرکت استخدام شده و جای کارمندان خارجی که مشاغل فنی نداشتند بگیرند ولی شرکت ترجیح می داد که هندی ها را برای کارهای دفتری و حسابداری و غیره استخدام کند و از استخدام ایرانیان خودداری نماید. این جانبداری بی جا و بی مورد عده زیادی از ایرانیان را که در جستجوی کار بودند محروم از شغل کرده و عصبانی کرده بود. یک عده مشاغل مانند انبارداری و نظارت در ساختمان و تقسیم خواربار و غیره در شرکت بود که ایرانیان می توانستند به سهولت انجام دهند ولی شرکت حتی برای اینگونه کارها هم کارمند انگلیسی استخدام کرده بود.

از حیث حقوق ماهیانه و حقوق پازنشستگی و مسکن و تسهیلات اجتماعی تفاوت محسوسی بین کارمندان ایرانی و خارجی برقرار بود که عدم رضایت شدیدی ایجاد می کرد. تمام کارمندان انگلیسی شرکت حتی آنهایی که کارهای دفتری می کردند جزو کارمندان عالی رتبه به حساب آمده و قسمت عمده کارمندان ایرانی عنوان کارمند جزم را داشتند. عضویت باشگاههای عمده شرکت، حق رفتن به سینمای درجه اول، سوار شدن در اتوبوسهای مخصوص، استفاده از مغازه های شرکت که کالاهای اروپایی داشت، استفاده از بعضی از زمینهای ورزشی و استخرهای شنا فقط اختصاص به انگلیسی ها و معدودی از ایرانیان عالی رتبه داشت. این تبعیض های ناروا عموم کارمندان ایرانی شرکت را عصبانی و رنجیده می ساخت.

سیاست شرکت این بود که خارجیان را در زندگی اجتماعی از ایرانیان جدا نگاه دارد و امتزاج آنها را تشویق نکند و تفوق نژادی برای انگلیسی ها قائل شود و حتی در بیمارستان اطالهای مخصوصی برای انگلیسی ها اختصاص داده شده بود که کارمندان ایرانی به آنها راه نداشتند.

بطور خلاصه موقعی که جنگ تمام شد و ارتش های انگلیس و آمریکا از خوزستان خارج شدند وضع سخت و پر مشقت کارگران و کارمندان ایرانی شرکت، باندازه های ناگوار بود که همه خشمگین و همه حاضر برای این بودند که بهر قیچی هست وضع را تغییر دهند. عملیات حزب

توده در خوزستان از اوایل سال ۱۳۲۱ ش. شروع شده بود ولی پیشوایان حزب برای آنکه وقفه‌ای در رساندن مهمات به روسیه شوروی روی ندهند اقدامات خود را محدود به ایجاد سازمان حزبی و تشکیل اتحادیه کارگران کرده بودند که قسمت عمده آن هم پنهان و در خفا بود. در سال ۱۳۲۳ ش. سازمان آنها توسعه یافت و هلنی گردید و همین که ارتش انگلستان از ایران خارج شد فعالیت آنها شدیدتر و بر ملا گردید.

کارگران و کارمندان شرکت، هیچ توجهی به مقاصد باطنی حزب توده نداشتند و سازمان حزب را تنها ملجأ و پناهگاهی برای خود تشخیص داده بودند که مدعی اصلاح وضع آنها بود. پس از خاتمه جنگ شرکت جیره رایگان نان و قند و شکر را که می‌داد قطع کرد و در عوض به دستمزد کارگران افزود و کالاهای مورد احتیاج کارکنان را به قیمت اسمی در دسترس آنها می‌گذاشت. ولی هیچ‌گونه اقدامی برای رفع نارضایتی کارکنان ایرانی خود نکرد.

یکی از کارکنان قدیمی شرکت نفت مسجد سلیمان می‌گفت: به کسانی که کار فنی داشتند ۵ سال، ۵ ریال می‌دادند یعنی سالی یک ریال، بدین معنی که آنها در بهشت و ما در جهنم بودیم. انگلیسی‌ها به ایرانیان خیلی زور می‌گفتند و حقوق بسیار ناچیزی به آنها پرداخت می‌کردند و از آنچه ایرانیان استحقاقش را داشتند محرومشان می‌کردند.

ما را گذاشتند زیر دست یک هندی و شروع به کار کردیم و چون عشق به کار داشتیم و می‌خواستیم کار کنیم، به ما جریمه‌های تحقیرکننده می‌زدند، به چکش و سوهان که دست می‌زدیم از ما می‌گرفتند.

تمام بنگله‌ها و خانه‌های خوب مال انگلیسی‌ها بود. کارگران ایرانی خانه نداشتند. و یک نمونه خانه‌هایی بود که ده فوت وسعت داشت، یک ده فوتی گلی را به سه نفر کارگر مجرد می‌دادند. کارگر هم به علت شدت گرما و شرایط خفه کننده ده فوتی‌ها با از آنجا می‌رفت و یا در آنجا تلف می‌شد.

یک خارجی بود به نام «مستر هارمن» او قاطر کرایه نمی‌کرد ۵۰ کیلو بار را به دست یک نفر و در دست دیگری یک بشکه ۲۰ لیتری می‌داد تا ببرد. سرپرست ما هم یک کارمند جزء بود که او را گذاشته بودند بر کارها نظارت کند و ما اجازه نداشتیم با مدیران ارتباط برقرار کنیم. آنها درپ را بروی ما باز نمی‌کردند. اگر تیغ اره پا هر وسیله صنعتی دیگری در حین کار بر اثر سهل‌انگاری شکسته شده و از بین می‌رفت، حتی کارگر را جریمه می‌کردند.

* صرفه‌جویی بسیار در هزینه :

شرکت صرفه‌جویی‌های بی‌مورد در تسهیلات بهداشت و بهداشتی می‌کرد که باعث تبعیض و

آزردگی خاطر مستخدمین بود. مثلاً در سالهای آخر که عده‌ای از کارگران مبتلا به بیماریهای صعب‌العلاج می‌شدند، توسل به قانون کار بسته و تقاضای درمان و پرداخت دستمزد خود را تا ختم معالجه داشتند. شرکت به حذر اینکه فلان بیماری مزبور ناشی از کار نبوده است، از مساعدت‌های لازم دریغ می‌کرد. در صورتی که بر همه کس واضح بود که علت عده بیماری آنها یکی تغذیه بد و دیگری مسکن نامناسب آنها بوده است که مسئولیت هر دو متوجه شرکت می‌شد. سازمان بهداری شرکت طوری تنظیم شده بود که با کمترین مبلغ ممکن اداره گردد و آن اندازه وسیع و کامل نبود که حتی احتیاجات کلیه مستخدمین و خانواده‌های آنها را تأمین نماید. درمان کلیه مستخدمین و خانواده‌های آنها در درمانگاههای شرکت رایگان بود ولی پذیرش در بیمارستان محدود به کارگران، کارمندان و خانواده‌های کارمندان بود. بطوری که خانواده‌های کارگران مسجد سلیمان در بیمارستان شرکت پذیرفته نمی‌شدند. و تازه آنهایی هم که پذیرفته می‌شدند چنانچه محتاج به عمل جراحی بودند که تعویق آن خطر جانی نداشت باید چندین ماه صبر کنند تا نوبت عمل آنها برسد. در قسمت بهداشت، عملیات شرکت محدود به تقاضای بود که در آنجا خانه و مسکن ساخته بودند و شرکت حاضر نبود که از آن قسمت تجاوز کرده و معاونتی به دیگران بنماید.

اینگونه صرفه‌جویی‌ها برای شرکت با هفتمی که میلیونها استفاده می‌نمود اثر فوق‌العاده بدی در افکار عامه باقی می‌گذاشت و موجب یأس و بدبینی عموم می‌گشت.

اگر شرکت جاده‌های در مسجد سلیمان آسفالت کرد و منازل و مراکزی به سبک منازل انگلیس و خیابانهایی به شکل شهرهای «برایتون» Brighton و «سانبری» Sonbury انگلستان ایجاد نمود، از روی دلسوزی و بشردوستی نبود. تا سال ۱۳۲۶ ش. آب سرد نوشیدنی که در هوای گرم مسجد سلیمان، یکی از ضروریات است و هنگام کار در آن هوای سوزان تا اندازه‌ای عطش را فرو می‌نشاند برای کارگران موجود نبود و آنها با وضع بسیار رقت‌انگیزی مشغول کار بودند.

* توسعه مسجد سلیمان بین سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۴۰ م. (۱۳۳۹ - ۱۳۱۹) و تحولات

خلع ید:

وضعیت صنعت نفت مسجد سلیمان که از سال ۱۳۱۹ ش. توسعه بیشتری نموده در موقع ملی شدن به قرار ذیل بوده است:

از سی چاه، نفت بدست می‌آمد و سالی، بین سه تا پنج میلیون تن از معدن مزبور استخراج می‌گردید. از ابتدای کار این معدن که در سال ۱۹۰۸ م. بود تا ۱۹۵۱ م. که نفت ایران ملی شد ۲۸۰ چاه در مسجد سلیمان حفر شده بود. مرکز اداری معادن نفت مناطق نفت‌خیز در مسجد سلیمان

بود که دارای کارخانه، تعمیرات، انبارهای کالا، لابراتورها و تأسیسات تحقیق و بررسیهای علمی، گاراژها، اداره زمین شناسی معادن، ادارات مرکزی معادن بود و کاملاً مجهز به این بود که مرکزیت داشته و سایر نقاط را اداره نماید. همین مرکزیت نیز باعث توسعه و گسترش شهر گردید. کارکنان این منطقه در حدود شش هزار نفر بودند که برای عده زیادی از آنها خانه و مسکن ساخته شده بود و بیمارستان بزرگی در مسجد سلیمان بنا شده بود که احتیاجات محل را رفع می کرد.

دولت هم ادارات مالیه، ژاندارمری، بخشداری، پست خانه و شهرنایی را بتدریج در آنجا تأسیس کرد و تاکنون بر آبادی مسجد سلیمان روز به روز افزوده می شود. شرکت در سالهای قبل از ملی شدن نفت، مزرعه کوچکی در درخزین (تزدیک مسجد سلیمان) ایجاد کرد که محصول آن را مستخدمین خودش خریداری می کردند.

• تحولات خلق ید در مسجد سلیمان :

تمام مطالب از روزنامه اطلاعات ۶ فروردین ۱۳۳۰ مطابق با ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۷۰ و ۲۷ مارس ۱۹۵۶ نقل شده است :

اعلام حکومت نظامی در خوزستان :

بطوری که از مقامات دولتی کسب اطلاع شده است در روزهای سوم و چهارم فروردین در بعضی از مناطق خوزستان وضع بخصوصی بوجود آمده و از طرف بعضی از کارگران و کارمندان، اعتراضاتی نسبت به ندادن بعضی امتیازات صورت گرفته است. طبق اظهار همین مقامات چون در بین دانش آموزان آموزشگاه و کارگران اعلامیه هایی هم توزیع شده بود که متعاقب آن در یکی دو چاه، کارگران آن چاهها دست از کار کشیدند. لذا با صلاح دید مقامات مسئول هیئت وزیران تصویب نمود که از روز پنجم فروردین ماه برای جلوگیری از خرابکاری و استقرار نظم، در هفت شهر از شهرهای خوزستان حکومت نظامی اعلام گردید. شهرهای مزبور عبارت است از آبادان، مسجد سلیمان، آغاچاری، هفتگل، لالی، بندر معشور، گچساران. امور مربوط به فرمانداری نظامی در این نقاط با لشکرده خوزستان و نیروی دریایی جنوب است.

برای رسیدگی به تقاضای کارگران نیز از طرف آقای نخست وزیر به وزارت کار و استانداری خوزستان دستورات لازم داده شده است. بطوری که مقامات مسئول اظهار می دارند فعلاً اوضاع در خوزستان عادی است و اخباری که خبرنگاران خارجی در مورد تقویت نیروهای انتظامی در خوزستان و اعزام نیرو از تهران انتشار داده اند، صحت ندارد.

• نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۷۴۸۱، شنبه دهم فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. :

و اعصاب در خوزستان ادامه دارد.

اطلاعاتی که از آبادان و اهواز بوسیله خبرنگاران اداره به تهران رسیده حاکی است که از پیروز صبح کارگران کارخانه، تعمیرات و حمل و نقل شرکت نفت در مسجدسلیمان اعتصاب کرده‌اند. اعتصابیون هنوز علت خودداری از کار را معین نکرده‌اند. در این منطقه نیز حکومت نظامی اعلام گردیده و حادثه مهیجی روی نداده است. اکنون مرکز اعتصابات که تا بحال آخاجاری و آبادان بود به بندر معشور (ماهشهر) نیز منتقل گردیده است.

از طریق مقامات دولتی در تهران و اهواز تا کنون چند کمیسیون برای رسیدگی به اعتصاب تشکیل گردیده، ولی تصمیم قطعی برای دادن مزایای کارگران و رفع اعتصاب هنوز اتخاذ نشده است. خبرنگار اداره در تلگرافی که دیروز با ممداد مسخا بره کرد و امروز واصل شد می‌نویسد: با اینکه به کارگران توصیه شده است فریب تحریکات را نخورده، دست به عملیات تندی نزنند و رفتار عموم اعتصابیون نیز در این چند روز بسیار مرتب و منظم بوده، معیناً محیط به اندازه‌ای تشنج آور است که هر لحظه بیم وقوع زد و خورد می‌رود.

این اخبار عموماً حاکی است که هنوز اعتصاب کارگران و کارآموزان در چهار نقطه خوزستان یعنی در آبادان، مسجدسلیمان، آخاجاری، بندر معشور ادامه داشته و با آنکه حکومت نظامی در آن مناطق اعلام شده، مع الوصف اکنون تعداد کلیه اعتصاب کنندگان به دوازده هزار تن می‌رسد. کارگران و کارآموزان مسجدسلیمان از اولیای شرکت نفت ایران و انگلیس درخواست کردند که خطوط اتوبوس‌رانی و سایر وسائل حمل و نقل در مناطق که تا کنون توسط شرکت اداره می‌شد، از اختیار شرکت خارج شده و به آنها اجازه داده شود، شخصاً عهده‌دار امور حمل و نقل آن مناطق شوند و از این راه استفاده کنند. تا کنون شرکت نفت از دادن پاسخ صریح به درخواست اعتصاب کنندگان خودداری ورزیده و همین سبب ادامه اعتصاب گردیده است. قرار است از طرف دولت بزودی هیئتی به نمایندگی وزارتخانه‌ها برای رسیدگی به اوضاع خوزستان به آن منطقه اعزام گردد.

نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۷۴۸۲ مورخ یکشنبه یازدهم فروردین ۱۳۳۰

دامنه اعتصابات در دو روز اخیر وسیع‌تر شده و به مسجدسلیمان نیز سرایت کرده است. یک هیئت سه نفری برای مذاکره با شرکت به خوزستان خواهد رفت.

اصل مطلب: به قراری که یک منبع رسمی امروز صبح به نمایندگی اداره اظهار داشت. اعتصاب کارگران شرکت نفت در خوزستان کماکان ادامه دارد و از این رو تا کنون دامنه‌اش وسیع‌تر شده و به مسجدسلیمان نیز سرایت کرده است و شاید تعداد کارگرانی که اعتصاب کرده‌اند به ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر برسد.

حالت اعتصاب و اعتصاب ظاهراً مربوط به قطع شدن اضافه حقوقی کارگران می باشد و جریان چنین بود که از قرار معلوم، شرکت نفت به کارگرانی که خانه نداشته و در چادر زندگی می کردند، یک اضافه ای علاوه بر آنچه به عنوان مزد می گرفته اند می پرداخته است، و چون فعلاً به آنها خانه داده است از آغاز سال ۱۳۳۰ ش. آن اضافه را کسر کرده و کارگران به این عمل شرکت معترض بوده و برای گرفتن حق خود دست به اعتصاب زدند.

اعلام حکومت نظامی و با آنکه اعتصاب کنندگان تابعال رعایت نظم و آرامش را کرده و در کارهای شرکت عملاً اختلالی نکرده اند ولی دولت از نظر حفظ تأسیسات مختلف نفتی، مجبور شده است بطور احتیاطی، در هفت نقطه نفت خیز خوزستان حکومت نظامی اعلام کند و از طرف دیگر از آن نظر که هرچه زودتر اعتصاب خانه یافته و کارکنان با رضایت خاطر مشغول کار شوند، دولت با اولیای شرکت وارد مذاکره شده است.

نقل از روزنامه اطلاعات، یکشنبه یازدهم فروردین ماه ۱۳۳۰ :

وضع اعتصاب کارگران در جنوب؛

تهران - آسوشیند پرس : یک منبع صلاحیتدار امروز اظهار داشت که ۳۵۰ نفر از محصلین آموزشگاههای فنی آبادان و همچنین ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت نفت مسجد سلیمان از اعتصاب دست کشیده و به کار برگشته اند، بقیه اعتصاب کنندگان در مسجد سلیمان از شرکت نفت خواسته اند که هشتاد درصد به حقوقشان اضافه شود. عده قلیلی از کارگران نفت در لالی که منطقه کوچک نفت خیزی است به پیروی از سایرین دست به اعتصاب زده، همچنین کارمندان جزء دفتری در آغاجاری نیز مبادرت به اعتصاب کرده اند.

نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۳۰ :

تلگراف از مسجد سلیمان : به شرحی که دیروز انتشار دادیم، دامنه اعتصاب از پیروز و دیروز پر دامنه تر شده و به مسجد سلیمان نیز سرایت کرده است و تلگراف واصله از مسجد سلیمان حاکی است که اعتصاب کارگران در قسمت اعظم کارخانجات ادامه دارد ولی کارگران در نهایت آرامش در حال اعتصاب هستند.

• نقل از روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۳۰ :

اعتصاب ادامه دارد و بر شدت آن افزوده شده است :

تلگرافهایی که در این دو روز از خوزستان رسیده حاکی است که اعتصاب کارگران کماکان ادامه داشته و حتی بر وسعت آن افزوده شده و دامنه آن به تمام نقاط نفت خیز گشائیده شده است.

تلگراف از مسجد سلیمان : ما کارگران اعتصاب کننده مسجد سلیمان تقاضا داریم هرچه زودتر

اضافه حقوق قطع شده ما پرداخت گردد و متأسفانه با شکایات متعددی که کرده ایم هیچگونه ترتیب اثری به تقاضای مشروع ما داده نشده است.

در جلسه حل اختلافی که در روز یازدهم فروردین ماه با حضور نمایندگان کارگران اعتصاب کننده و نمایندگان شرکت نفت و رئیس اداره کل کار خوزستان و رئیس ستاد لشکر خوزستان و فرماندار و بخشدار تشکیل گردیده در آخر جلسه نمایندگان شرکت حاضر نشدند از کارگران احقاق حق نمایند و تقاضای مشروع ما انجام شود.

اکنون تقاضا داریم که دولت توجهی کند که هرچه زودتر شرکت نفت دست از زورگویی بکشد و حق قانونی کارگران را بپردازد.

اخبار وارده از مسجد سلیمان

گزارش نماینده اداره از مسجد سلیمان حاکی است که اعتصاب کارگران در قسمت اعظمی از کارخانجات ادامه دارد. کارگران تلگرافهایی متعدد برای احقاق حقوق خود به دولت و مجلس مخاپره کرده اند. پلیس، کارگران را متفرق ساخته و اعتصاب ادامه دارد.

● نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۰

در اعتصاب خوزستان تخفیف کلی حاصل شده است.

خبرنگار ما از خوزستان اطلاع می دهد که طبق آخرین آماري که در بعد از ظهر پنجشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۳۰ ش. از منابع رسمی کسب شده سیصد کارگری که در لالی یکی از مناطق نفتی، اعتصاب کرده بودند مشغول کار شدند و در مسجد سلیمان دوهزار نفر فعلاً مشغول کار هستند و سه هزار و هشتصد نفر کماکان به اعتصاب خود ادامه داده اند.

در مسجد سلیمان نیز از ششم فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. شروع به اعتصاب نمودند.

کارگران نفت سفید و لالی و عتبل که روی هم رفته یکهزار و پانصد نفر می شوند، بعنوان همدردی با سایر کارکنان از روز دوازدهم (۱۲ فروردین) دست به اعتصاب زدند.

● نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه نوزدهم فروردین ۱۳۳۰

بیانیه برای کارگران از طرف هیئت دولت:

کارگران مسجد سلیمان، نفت سفید، لالی، با اظهار امتنان از کارگرانی که توصیه استانداری و هیأت اعزامی را قبول و سرکار خود حاضر شدند، به اطلاع می رساند.

پس از مذاکراتی که در جلسه اول مورخ ۱۷ فروردین با اولیای شرکت بعمل آمد در مورد زیر شرکت نفت موافقت نمود:

۱۵ - طبق قانون کار کمیسیونهایی به فوریت در نواحی فوق الذکر مرکب از نمایندگان دولت و